



ادامه در صفحه ۳

انقلاب اکتبر، و تأثیر اندیشه‌های آن بر دوران ما

جهان در دههٔ دوم سدهٔ بیست و یکم با چالش‌های پرشماری روبه‌روست، و انسان ترقی‌خواه معاصر، در بررسی اوضاع جهان و روندهای کنونی آن، به تجربهٔ ارزشمند انقلاب اکتبر بیش از پیش موشکافانه و تأمل‌آمیز نظر می‌افکند.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، در تغییر سیمای جهان به‌سود امر نو و به‌زیان دنیای کهنه نقش انکارناپذیری داشت. در تاریخ پرفراز و نشیب انسان، انقلاب اکتبر تغییر به‌سود نیروهای بالنده و تاریخ‌ساز را امکان‌پذیر کرد و به‌اثبات رسانید، و نشان داد که با همهٔ "قدرتمندی" ظاهری نظام سرمایه‌داری، این



شماره ۹۳۳، ۱۳ آبان ماه ۱۳۹۲
دورهٔ هشتم، سال بیست و هفتم

مبارزه با برنامه‌های اقتصادی رژیم، در راستای تأمین و حفظ حقوق زحمتکشان

در هفته‌های اخیر موضوع ادامهٔ اجرای برنامه هدمندی یارانه‌ها و نیز شناسایی دهک‌های مختلف جامعه برای حذف یارانهٔ نقدی درحالی ادامه‌داشت که به دنبال انتشار نامهٔ چند هزار نفری کارگران مبنی بر خواست افزایش دستمزدها، اعتراض‌های بسیاری را در محیط‌های کارگری شاهدیم. محور عمدهٔ این اعتراض‌ها، خواست تأمین امنیت شغلی، افزایش دستمزدها، و احیای حقوق سندیکایی است. نکتهٔ شایان توجه در این میان توجه فعالان کارگری و سندیکایی به رابطهٔ میان مبارزه برای تأمین منافع زحمتکشان و مخالفت با برنامه‌های اقتصادی رژیم ولایت‌فقیه است. کارگران در زندگی روزمره به‌درستی این تجربه را پیدا کرده‌اند که ریشهٔ معضل‌های زندگی‌شان را در ماهیت برنامه‌هایی چون

ادامه در صفحه ۲

در این شماره

تلاش نیروهای ترقی‌خواه برای آزادی

زندانیان سیاسی، و تأمین

فعالیت‌های آزادانهٔ صنفی و

سندیکایی در ایران در صفحه ۹

ناگفته‌های کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ در

سخنرانی رفیق دکتر ماشاءالله ورقا

در اتریش در صفحه ۱۰

ماهیت رژیم ولایت فقیه و محدوده عملکرد "دولت امید"!

اظهار است که نه تنها از برخورد (البته منظور لاریجانی سرکوب خونین و خشن اعتراض‌های مردمی است) با "فتنه ۸۸" شرمسار نیست بلکه به آن افتخار هم می‌کند. در کنار سخنان رئیس قوه قضائیه رژیم، اظهارات اژه‌ای، دادستان کل جمهوری اسلامی و سخنگوی قوهٔ قضائیه و از نزدیکان ولی فقیه، در خصوص انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، جبههٔ مشارکت اسلامی، و توقیف روزنامهٔ بهار، و پیش از این‌ها نیز خط و نشان کشیدن‌های سپاه و نیروهای امنیتی برای مردم، نشان داد که وجه غالب سیاست "ترمس قهرمانانه" در داخل کشور مقابلهٔ جدی و سازمان‌یافته با خواست مردم میهن ما برای "تغییر" است. بدین ترتیب سیاست سرکوب، به‌کارگیری فشار، و مهندسی خواست‌های جنبش، به‌موازات هم از سوی رژیم ولایت‌فقیه به‌اجرا درمی‌آیند.

حزب ما از همان فردای پیروزی روحانی در انتخابات بر این موضوع پافشاری کرد که بدون سازمان دهی و بازسازی جنبش اجتماعی و حرکت‌های مردمی نمی‌توان به هیچ تغییر جدی‌ای از سوی "دولت امید" آقای روحانی خوش بین بود. بر اساس ارزیابی حزب ما، تمرکز اصلی تلاش‌های دولت روی کار آمده عادی‌سازی روابط با آمریکا و کشورهای غربی، پایان دادن به فشارهای

ادامه در صفحه ۶

حوادث هفته‌های اخیر و برنامه‌ها و سیاست‌های دولت روحانی باردیگر نشانگر این مسئله مهم است که ماهیت رژیم ولایت فقیه، یعنی رژیمی که بر اصل استبداد مطلق فردی استوار است، با تغییر دولت، آنهم در چارچوب مهندسی شده آن، از سوی ولی فقیه رژیم، تغییری نمی‌کند و در باز بر همان پاشنه خواهد چرخید. بر این اساس محدوده عملکرد دولت "امید" روحانی، دایره بسیار تنگی است که حیطه آن را ولی فقیه رژیم تعیین می‌کند و بر این اساس از این "امام زاده" نیز نباید انتظار معجزه‌ای را داشت.

پایگاه خبری "کلمه" در گزارشی درباره بسته شدن روزنامه "بهار" از جمله نوشت: "بدنبال نشر یک مقاله از دکتر سید علی اصغر غروی، عضو نهضت آزادی ایران و پژوهشگر دینی، که قرائت دیگری از غدیر را ارائه نموده بود، روزنامه بهار بسته شد. دولت آقای روحانی که می‌توانست از بسته شدن آن جلوگیری نماید نشان داد که عزمی برای عدم توقیف روزنامه ندارد. پوزش‌های سردبیری روزنامه، مقالات دیگر در رد بحث و مقاله آقای دکتر غروی که در روزهای بعد در این نشریه به چاپ رسید و اعلام بستن نشریه توسط دست‌اندرکاران آن برای دوهفته نیز نتوانست از توقیف آن جلوگیری بعمل آورد." لازم به تذکر است که هیئت نظارت بر مطبوعات از هفت نفر تشکیل می‌گردد که چهار نفر آنها عضو دولت آقای روحانی می‌باشند.

در همین روزها صادق لاریجانی، رئیس قوه قضائیه و برگمارده ولی فقیه رژیم در سخنانی

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه"!

ادامه مبارزه با برنامه های اقتصادی رژیم ...

خصوصی سازی، ابلاغیه اصل ۴۴، آزادسازی اقتصادی، و مقررات زدایی جستجو می کنند. در ماه های اخیر دولت روحانی با تبلیغاتی گسترده سیاست های اقتصادی دولت قبلی را به باد انتقاد گرفته است. در انتقادی از نحوه واگذاری شرکت های دولتی به بخش خصوصی از سوی دولت های احمدی نژاد، روز ۳۰ مردادماه، علی طیب نیا، وزیر اقتصاد دولت روحانی، گفت: "واگذاری ها به بخش خصوصی و واقعی بسیار کم صورت گرفته است و عمده واگذاری ها یا به شبه دولتی ها بوده و یا در قالب سهام عدالت و رد دیون بوده است." هم زمان با دیدار حسن روحانی با کریستین لاگارد، رئیس صندوق بین المللی پول، در نیویورک، به درخواست دولت روحانی هیئت ایرانی دیداری نیز با مسئولان صندوق بین المللی داشته اند که در آن دیدار "افزایش روابط با صندوق بین المللی پول" را خواهند شنید. متعاقب این دیدارها، هیئتی اقتصادی به ریاست علی طیب نیا برای شرکت در نشست سالیانه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به آمریکا سفر کردند، و در خلال اقامت خود در آمریکا، در روز ۲۰ مهرماه، دیداری نیز با "اقتصاددانان ایرانی بانک جهانی" داشته اند. آقای فرشاد مومنی در گفت و گویی با ایسنا، ۲۴ مهرماه، تاکید کرد: "... دولت پرچم خصوصی سازی و آزادسازی را به دست گرفته است. با وصف تمام پیامدهای مخرب و ویران کننده برنامه های "آزادسازی اقتصاد و تعدیل اقتصادی"، کارگزاران رژیم ولایت فقیه این سیاست های خانمان برانداز را با شتاب تمام و در همه عرصه های اقتصاد کشورمان به پیش می برند: "واگذاری" اموال ملی به دست اندکاران فاسد رژیم ولایت فقیه، پایین نگاه داشتن دست مزد کارگران، کاهش مداوم قدرت خرید کارگران و آماده کردن نیروی کاری ارزان و گوش به فرمان برای استفاده سرمایه داران (کارآفرینان)، کاهش خدمات دولتی و نهادن بار بیش تر هزینه ها بر دوش کارگران و زحمتکشان، ویران کردن تولید ملی و فراهم آوردن شرایط مناسب برای دستیابی به سودهای کلان و افسانه ای از طریق وارد کردن تولیدات خارجی... در زیر به نمونه هایی از به کارگیری این سیاست ها اشاره می کنیم:

روز ۲۹ مهرماه، جعفر قادری، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، گفت: "دولت پیشنهاد کرده بود که ۳۷ هزار میلیارد (تومان)... کسری بودجه خود را از محل فروش سهام، اموال و دارایی های خود... و فروش نیروگاه ها... تأمین کند." جالب توجه است که هنگام صحبت از اموال ملی، چگونه کارگزاران فاسد رژیم ولایت فقیه از آن ها همچون "دارایی های خود" یاد می کنند. در ۲۵ سال اخیر، نمونه های "فروش سهام، اموال و دارایی های خود" را زیاد مشاهده کرده ایم. مثلاً، روز ۲۸ مهرماه، ایلنا از "واگذاری کارخانه ۱۰۰ میلیاردی به قیمت ۱۲ میلیارد تومان" گزارشی را ارائه داد و در رابطه با جزئیات واگذاری این کارخانه، اضافه کرد: "در سال ۸۹، ۱۲ میلیارد تومان به صورت نقدی دریافت شد، در حالی که ۲۲ میلیارد تومان موجودی انبار بود."

توجه به خط فقر و سطح دستمزد کارگران در این زمینه ضروری است. در عین حالی که خط فقر واقعی در کشور یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان، و حد اقل دستمزد ماهانه کارگران ۴۸۷ هزار تومان است، ربعی، در روز ۲۶ مردادماه، با اشاره به کاهش "شدید" قدرت خرید کارگران به واسطه اجرای فاز اول هدفمندی یارانه ها و "عدم رعایت قانون، یعنی عدم اعمال تورم اعلامی مرکز آمار ایران"، اعلام کرد: "مزد سال ۹۲... باید... اصلاح شود." تقریباً سه ماه بعد از این همه وعده ها، ایلنا، ۲۸ مهرماه، با انتقاد از تأخیر وزارت کار در ابلاغ افزایش ۱۰ هزار تومانی حق مسکن، در گزارشی در رابطه با افزایش مزد پایه، خاطر نشان ساخت: "به نظر نمی رسد طرح خاصی برای رسیدگی به این مسأله وجود داشته باشد." در گزارش دیگری در ایلنا، ۲۵ مهرماه، با اشاره به تورم بیش از ۴۰ درصدی و حقوق ۴۵۰ هزار تومانی کارگران (یعنی یک میلیون تومان پایین تر از خط فقر) نوشت: "به طور قطع تا پایان سال جاری تغییری در دستمزد کارگران اعمال نخواهد شد. بار دیگر با وعده هایی دروغین حقوق، خواست و منافع کارگران نادیده گرفته می شود. برای نشان دادن اوج بی رحمی و بهره کشی از کارگران، فساد دستگاه های دولتی رژیم ولایت فقیه، و پایمال کردن اندوخته زندگی کارگران، به دو

نمونه اشاره می کنیم. روز ۲۹ مهرماه، رئیس شورای اسلامی کارگران معادن ذغال سنگ البرز شرقی، با اشاره به "حق مسکن ۱۰ هزار تومانی" و فاصله ۷۰ کیلومتری معدن تا نزدیک ترین شهر (شاهرود) کارگران این معدن، از "کسر ماهانه حدود ۳۰۰ هزار تومان از حقوق کارگران ساکن در واحدهای مسکونی سازمانی این معدن دولتی" و میزان حقوق کارگران انتقاد کرد. قاضی پور، نماینده مجلس، روز ۲۸ مهرماه، در تذکری شفاهی به مسئولان اجرایی کشور، از ربعی خواست که "اجازه ندهد با پول کارگران و بازنشستگان حقوق ۱۵ تا ۱۷ میلیون تومانی پرداخت شود."

بنابر "قانون الزام"، سازمان تامین اجتماعی موظف است که خدمات درمانی بیمه شدگان شاغل و بازنشسته را "از صفر تا ۱۰۰ درصد" به طور رایگان تأمین کند. حسین غلامی، در گفت و گویی با ایلنا، ۲۹ مهرماه، گفت: "در سه سال گذشته مسئولان کانون عالی کارگران بازنشسته بدون مراجعه به آراء اعضای این کانون، رأساً با شرکت های بیمه خصوصی تفاهم نامه خرید بیمه مکمل درمانی را امضا کرده اند... و مسئولان سازمان تامین اجتماعی... بر این اقدام غیر قانونی مهر تأیید زده اند." با بیان اینکه متداول شدن قراردادهای بیمه مکمل در نهایت به حذف تدریجی خدمات رایگان درمانی تامین اجتماعی منجر خواهد شد، حسین غلامی افزود: "در حال حاضر در مجموعه هایی مانند بیمارستان میلاد... بازنشستگان بیمه شده مجبورند تا هزینه خدماتی درمانی مورد استفاده را پرداخت کنند." سال قبل بیمه درمانی تکمیلی تحمیل شده به کارگران "بالغ بر ۱۰ هزار و ۲۰۰ تومان بود" و امسال "با افزایش ۱۰۰ درصدی هزینه تعرفه حق بیمه ماهانه"، مبلغ "تعرفه حق بیمه ماهانه استفاده از خدمات بیمه تکمیلی" ۲۱ هزار و هفتصد تومان تعیین گردیده است. بنابر گزارش ایلنا، ۵ آبان ماه، مستمری بگیران "به شدت از خدمات بیمه تکمیلی ناراضی هستند... و هنوز نتوانسته اند مطالبات درمانی خود را از بیمه تکمیلی دی دریافت کنند." روز اول آبان ماه نیز، خبرگزاری ایلنا- با اشاره به ادامه راه دولت احمدی نژاد توسط دولت یازدهم- خبر "سهیم ۲۲ درصدی تأمین اجتماعی در شرکت فروشنده خدمات بیمه تکمیلی" را گزارش کرد. حذف تدریجی خدمات رایگان درمانی تامین اجتماعی و تحمیل بیمه های درمانی تکمیلی در حالی انجام می گیرد که "در محاسبه سبد کالا در هیچ دولتی هزینه درمانی لحاظ نشده است. در ضمن، علاوه بر فساد گسترده در رژیم ولایت فقیه و گردانندگان سازمان تامین اجتماعی، پرداخت حقوق ۱۵ تا ۱۷ میلیونی با "پول کارگران و بازنشستگان"، یکی از علل حذف تدریجی خدمات رایگان درمانی و تحمیل بیمه های درمانی تکمیلی به کارگران و بازنشستگان است. حقوق های "۱۵ تا ۱۷ میلیونی" از پولی پرداخت می شود که کارگران ماه به ماه، ۳۰ درصد از حقوق "یک میلیون تومان پایین تر از خط فقر" شان را برای دریافت خدمات رایگان درمانی از پیش پرداخت کرده اند. حقوق های ۱۵ تا ۱۷ میلیون تومانی "یکی از علل بدهی ۵۴ هزار میلیارد تومانی صندوق تامین اجتماعی است. سید تقی نوربخش، مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی، روز اول آبان ماه، با بیان اینکه مطالبه سازمان تامین اجتماعی از کارفرمایان ۲۷۰۰ میلیارد تومان است، گفت: "حدود ۱۸۰۰ میلیارد تومان جرایم داریم که در صورت مراجعه کارفرمایان آمادگی داریم تمام مبلغ مذکور بخشوده شود." بنابر گزارش روزنامه مهر: "اساسنامه تامین اجتماعی از سال ۵۸ تا ۸۷ پایدار و ثابت بوده است ولی از سال ۸۷ این اساسنامه ۴ بار تغییر کرده است." یکی از موارد تغییر، انتصاب مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی بود.

ایلنا، ۵ آبان ماه، از "تعویق ۲ ماه حقوق ۳۹۰ کارگر صنایع ریخته گری ایران" گزارش داد، و اضافه کرد: "این کارخانه پیش از بحران حدود ۱۶۰۰ تا ۱۷۰۰ تن تولید داشته اما در ۶ ماه نخست سال جاری (۹۲) تولید به ماهی ۷۰۰ تن رسیده است." این گزارش "عدم حمایت دولت از واحدهای ریخته گری و قطعه سازی... بلا رفتن قیمت حامل های انرژی، قوانین مالی دست و پاگیر، بهره های بالای بانکی، کمبود نقدینگی... را از سبب های افزایش مشکلات تولید و اشتغال برشمرد. ایلنا، اول آبان ماه، با اشاره به افت ۶۰ درصدی تولید کارخانه "پی وی سی ایران" نسبت به سه سال پیش، از "تعویق ۶ ماه حقوق کارگران" گزارش داد. این گزارش "افزایش چندین برابری قیمت حامل های انرژی" را باعث افزایش غیرمستقیم "چند برابری مواد اولیه تولید" دانست. ایلنا، ۴ آبان ماه، گزارش داد که، فقط ۲۰ درصد از شهرک های صنعتی ساری فعال اند و اضافه کرد: "بحران در شهرک های صنعتی شماره ۱ و ۲ ساری با اجرای قانون هدفمند سازی یارانه ها آغاز شد و در نهایت با نوسانات ارزی و کاهش نقدینگی طی سال گذشته به نقطه اوج خود رسید." قانون "هدفمند سازی یارانه ها" یکی از برنامه های اقتصادی مورد پسند صندوق بین المللی پول است و دولت حسن روحانی خواستار اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه ها است. برای نشان دادن وسعت فاجعه ای که نتیجه اجرای برنامه های دیکته شده از سوی صندوق بین المللی پول است، به چند خبر دیگر در دو هفته اخیر اشاره می کنیم: "تعویق ۵ ماه حقوق ۱۲۰ کارگر صابون سازی نخل خرمشهر؛" "تعطیلی گسترده واحدهای مستقر در شهرک های صنعتی اردبیل... سوله های واحدهای مستقر در شهرک صنعتی شماره یک تبدیل به انبار اجناس کالاهای خدماتی شده اند... به جای تولیدات صنعتی، میل های وارداتی به

ادامه انقلاب اکتبر ...

صورت‌بندی اجتماعی ابدی نیست.

لنین، در "بیماری کودکی چپ‌گرایی در کمونیسم"، در توضیح اهمیت جهانی - تاریخی انقلاب اکتبر، با اشاره دقیق و علمی به "ناگزیری تاریخی"، می‌نویسد: "من در اینجا از اهمیت بین‌المللی به‌مفهوم وسیع کلمه سخن نمی‌گویم که نه تنها برخی، بلکه تمام خصایص بنیادی و بسیاری از خصایص درجه دوم انقلاب ما از نظر تأثیر آن در همه کشورهای، اهمیت بین‌المللی دارند. بلکه منظور من مفهوم کاملاً محدود این کلمه است، بدین معنی که، با درک اهمیت بین‌المللی به‌مفهوم اعتبار بین‌المللی یا ناگزیری تاریخی تکرار آن چیزی که در مقیاس بین‌المللی که در کشور ما رخ داده‌است، باید چنین اهمیتی را برای برخی خصایص بنیادی انقلاب ما پذیرفت."

در حقیقت، انقلاب اکتبر در عمل، صحت مارکسیسم - لنینیسم را بر پایه ناگزیری گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم، به اثبات رسانید. مارکس، در اثر گران‌بهای خود: "تقدیرنامه گتا"، در رد نظرات ذهنی و خرده‌بورژوازی فریدماند لاسال - که معتقد بود "با بازسازی اقتصاد سرمایه‌داری" می‌توان به سوسیالیسم رسید - با موشکافی علمی نه‌فقط بر گذار جامعه از سرمایه‌داری به سوسیالیسم، بلکه در عین حال بر ویژگی‌های تحول انقلابی نیز تأکید ورزیده است. به‌علاوه، مارکس و انگلس، در دوران نخست فعالیت‌شان نیز به چارچوب نظری ضرورت گذار و تحول به سوسیالیسم اشاره کرده بودند. مارکس و انگلس، در "ایدئولوژی آلمانی"، در بخش: "طبقه حاکم و ایده‌های حاکم"، می‌نویسند: "طبقه انقلابی، از همان آغاز، چون با یک طبقه روبه‌رو می‌شود نه به‌مثابه یک طبقه، که به‌مثابه نماینده کل جامعه، به‌صورت همه توده‌های جامعه که با یک طبقه حاکم درگیر شده‌اند، به عرصه می‌آید... بنابراین هر طبقه جدید تنها بر پایه‌ی گسترده‌تر از پایه طبقه حاکم پیشین، به حکومت می‌رسد؛ از سوی دیگر، مخالفت طبقه غیرحاکم، با طبقه حاکم جدید نیز به‌همان اندازه شدیدتر و ژرف‌تر گسترش می‌یابد. هر دو این عوامل این امر واقع را مشروط می‌سازند که پیکار علیه این طبقه حاکم جدید، به‌نوبت خود، در مقیاس با همه طبقات پیشین که در جست‌وجوی حاکمیت بودند، به نفی قاطع‌تر و ریشه‌ای‌تر شرایط پیشین جامعه بینجامد."

انقلاب اکتبر و دستاوردهای آن درستی این دیدگاه را تأیید می‌کنند. در واقع نیز این تحول عظیم تاریخی و نقش جهانی - تاریخی آن، آرمان مارکس را تحقق بخشید. مارکس، در تزهایش درباره فویرباخ، گفته بود: "فیلسوفان تنها جهان را به شیوه‌های گوناگون تعبیر کرده‌اند، ولی مقصود تغییر دادن آن است."

با پیروزی انقلاب اکتبر، دورانی نو، روزگاری نو، در جهان آغاز شده است. با وجود فروری زاده اکتبر، یعنی اتحاد شوروی، عصری که اکتبر آغازگر آن بوده است، از نقطه نظر تئوریک، به‌پایان نرسیده است، و نظریه "ابدی بودن سرمایه‌داری" و "پایان تاریخ"، پوچ و ضد علمی از آب درآمده‌اند. هنگامی که از دوران (عصر) و خصلت آن سخن می‌گوییم، به مفهوم تئوریک آن نظر داریم. به‌عبارت دقیق‌تر، مفهوم عمده تئوری مارکسیستی - لنینیستی تکامل اجتماعی، مفهوم صورت‌بندی اجتماعی - اقتصادی است؛ بنابراین، تکامل اجتماعی روند تاریخی قانونمندی است که در آن صورت‌بندی‌ای مترقی‌تر جایگزین صورت‌بندی‌ای دیگر می‌شود. بنابر این تعریف، باید دید که در دورانی مفروض چه طبقه‌ی در مرکز آن دوران قرار دارد، و بدین‌سان محتوای عمده، جهت‌اساسی و عمده تکامل، مشخصه‌ها و ویژگی‌های آن [دوران] را تعیین کرد. برخلاف نظریه‌پردازان سرمایه‌داری که با دستاویز قرار دادن فروری‌زی اتحاد شوروی، محتوای دوران (عصر) ما را "جامعه پیشرفته تکنولوژیک - صنعتی" می‌عرفی می‌کنند که در آن تضادهای طبقاتی حل شده‌اند، مارکسیسم - لنینیسم می‌آموزد که کلید درک خصلت دوران (عصر) را نه در تکنولوژی و سطح فن‌آوری، بلکه در روابط عینی نیروهای طبقاتی در صحنه‌های ملی و جهانی و همچنین گرایش اساسی تکامل تاریخی زمان باید جست‌وجو کرد. از این‌رو، انقلاب اکتبر آغازگر دورانی بود که

مقطع زمانی تاریخی کنونی ما را نیز دربر می‌گیرد. دوران ما، که ویژگی اساسی آن گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم است، در مبارزه دشوار اما تحسین برانگیز ساختمان سوسیالیسم در پاره‌یی از کشورها مانند: کوبا، چین، ویتنام، و نیز پیکار پرشور حزب‌های کمونیست و مترقی و جنبش کارگری و کمونیستی برضد نظام سرمایه‌داری [و در لحظه کنونی برضد برنامه‌ها و نسخه‌های نولیبرالی ویرانگر و ضدانسانی] بازتابیده و متجلی شده است. در کنار این پیکار پرشور، رشد و قوام جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و ضدامپریالیستی و مبارزه برای رهایی از قید امپریالیسم در چهار گوشه جهان [اینک در آمریکای لاتین و دولت‌های چپ و مترقی آن] نیز در این مسیر رهسپارند. این مبارزات، بیانگر روابط عینی نیروهای طبقاتی در صحنه‌های ملی و بین‌المللی‌اند که به‌گفته لنین "مضمون دوران" را از نقطه‌نظر جهان‌بینی مارکسیستی - لنینیستی توضیح می‌دهد.

آرمان و اندیشه‌های اکتبر، دستاوردها و تجربه‌های آن، در پیکار کنونی ترقی‌خواهان جهان متجلی و مشاهده‌شدنی است. فراموش نباید کرد که، فرگشت تاریخی [فرگشت، واژه پیشنهادی زنده‌یاد طبری، به‌معنای تکامل] حرکتی زیگزاگی و پرفراز و فرود است. از این‌رو، نباید از شکست‌ها و عقب‌نشینی‌های گذرا در مقیاس تاریخی ناامید شد و آرمان‌های اکتبر را انکار کرد. لنین در دفاع از حقانیت و خلاقیت مارکسیسم، در مقاله کوتاه اما پرمحتوایش: "سه منبع و سه جزء مارکسیسم"، تأکید کرده است: "در مارکسیسم هیچ چیز شبیه به سکتاریسم یعنی به مفهوم یک آیین درخودفروفته و تحجر یافته که بر کنار از بزرگراه گسترش تمدن جهانی پدید آمده باشد، وجود ندارد... آموزش مارکس همه توان است، زیرا درست است، این آموزش جامع و کامل و هماهنگ است، و جهان‌بینی پیکارچه‌ای به انسان‌ها عرضه می‌دارد که با هیچ نوع موهوم‌پرستی، یا هیچ نوع ارتجاع، و هیچ نوع مدافعه‌ی بی‌استمگری بورژوازی آشتی‌پذیر نیست."

درست براساس چنین درک خلاق و پویایی از مارکسیسم - لنینیسم می‌توان به ارزیابی جهان کنونی و روندهای آن پرداخت، و با استفاده از تجربه غنی و پربار انقلاب اکتبر، در راه دگرگونی و تغییر جهان استوار گام به پیش برداشت. اندیشه‌های انقلاب اکتبر و تجربه‌های آن - به‌خصوص در ارتباطشان با مفاهیم و مقوله‌های علمی‌ای چون انقلاب اجتماعی، مبارزه طبقاتی، مفهوم طبقاتی دولت، اقتصاد سوسیالیستی، امپریالیسم، و جز این‌ها - صحت و اعتبارشان را حفظ کرده‌اند.

در سالگرد انقلاب اکتبر، بشریت مترقی و گردان‌های صلح، ترقی اجتماعی، و سوسیالیسم، با بهره‌گیری از تجربه‌های مبارزه دیروز، امروز با عزمی راسخ نبرد برای خوشبختی انسان را به‌پیش می‌برند. لنین در نخستین سال‌های پیروزی انقلاب اکتبر یادآوری کرده بود که، مبارزه کارگران "خلاصی انسانیت از یوغ سرمایه و جنگ‌های امپریالیستی" است؛ این مبارزه هم اینک نیز ادامه دارد. بکوشیم پیکارگران آگاه این سپاه آینده‌ساز باشیم!

۱. لنین، **منتخب آثار** [به فارسی]، صفحه ۷۸۵؛ ۲. مارکس و انگلس، **لودویگ فویرباخ و ایدئولوژی آلمانی**، ترجمه پ. بابایی، چاپ اول، صفحه‌های ۳۳۳ - ۳۳۴؛ ۳. **لودویگ فویرباخ و ایدئولوژی آلمانی**، "تزه‌های مارکس درباره فویرباخ"، ترجمه پ. بابایی، چاپ اول، صفحه ۸۳؛ ۴. مجله "دنیا"، ارگان تئوریک - سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، شماره ۱، سال ۱۳۵۹، "سه منبع و سه جزء مارکسیسم"، ترجمه پورهرمان، صفحه ۶۷

ادامه دلیل‌های مهاجرت ...

به شهرک‌ها و مراکزهای صنعتی پیرامون‌شان رهسپار شوند.

با این وجود، روی آوردن به شهرک‌ها و مراکزهای صنعتی پیرامونی نیز بی‌نتیجه است. امکان رشد ندادن به بخش غیرکشاورزی از سوی سرمایه‌گذاران خارجی و اجرای برنامه‌های یارانه‌ای برای تشویق و توسعه لایه غیرکشاورز بر اساس پرداخت دستمزدهای حداقلی برای زندگی بخورنمیر به کارگران، بدان معنی است که فرصت‌های شغلی‌ای وجود ندارند؛ بنابراین مقصد بعدی اروپاست! مردمی که در لِمپدوسا غرق شدند نمی‌خواستند برای دیدن منظره‌ها به اروپا بروند. آنان آخرین قربانیان صدها سال بهره‌کشی استعماری، چه از نوع سنتی و چه از نوع "مدرن" آن بودند. واکنش‌های از سر دست‌پاچگی کارگران اتحادیه اروپا و دولت‌های عضو - که از جانب شرکت‌های بزرگ حکم می‌رانند و از این چرخه سود می‌جویند - نمی‌توانند مسئولیت اصلی‌شان را در این پیشامد لاپوشانی کنند.



نسبت به آن‌ها حساسیتی ویژه دارند، زیرا می‌هراسند از اینکه این گونه اعتراض‌ها به پیش‌درآمدی برای بازسازی توان جنبش دانشجویی تبدیل گردد، درهراسند. بر زمینه همین هراس، به منظور جلوگیری از برپایی تجمع‌های اعتراضی و نیز به‌هدف به‌وجود آوردن فضای وحشت و انفعال در محیط‌های دانشگاهی، از زمان آغاز سال تحصیلی جدید تاکنون ده‌ها دانشجوی از سوی وزارت اطلاعات احضار و تهدید شده‌اند. برای نمونه، در دانشکده علوم پزشکی شیراز در کمتر از یک ماه بیش از ۱۳ تن از دانشجویان به اداره اطلاعات احضار شده‌اند. بنابر گزارش دیگری، در دانشگاه آزاد ارومیه نیز ۵ تن از دانشجویان به اداره اطلاعات فراخوانده و تهدید شده‌اند. در دانشگاه آزاد مشهد نیز ۳ تن

از دانشجویان به وزارت اطلاعات احضار شده‌اند. این احضارها و تهدیدها باهدف مسلط کردن جو وحشت و انفعال در محیط‌های دانشگاهی صورت می‌گیرد. در راستای همین سیاست، فعالان دانشجویی گرفتار در بند رژیم نیز به شکل‌های مختلف در فشارند. به‌علاوه، برای رویارویی با بازیابی توان جنبش دانشجویی، وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران، و دادگاه‌های انقلاب اسلامی، برخی فعالان دانشجویی که به حبس‌های تعزیری [تنبیهی] کوتاه‌مدت محکوم شده‌اند را روانه زندان کرده‌اند. به گزارش آدوانیوز، سعید نعیمی، عضو شورای سیاستگذاری سازمان دانش‌آموختگان ایران (ادوار تحکیم وحدت)، جهت اجرای حکم یک‌سال حبس تعزیری به‌اتهام تبلیغ علیه نظام به زندان تبریز منتقل شد. این فعال دانشجویی در آبان ماه سال ۹۰ در شعبه یک دادگاه انقلاب اسلامی تبریز محاکمه شده بود. انتقال او به زندان همزمان با آغاز سال تحصیلی جدید، دقیقاً هدف رژیم برای رویارویی با جنبش دانشجویی را نشان می‌دهد. جنبش دانشجویی میهن ما وارث سنت‌های انقلابی و مردمی‌ای ریشه دار است، و با همه سرکوب‌گری‌های سالیان اخیر، به‌ویژه پس از کودتای انتخاباتی سال ۸۸، از توان و ظرفیت‌های معینی برای حضور پررنگ و مؤثر در صحنه سیاسی برخوردار است. مبارزان جنبش دانشجویی می‌باید با استفاده از هر امکانی، در درجه نخست به بازسازی توان این جنبش همت گمارند. برای انجام این هدف، محل‌ها و زمینه‌های عینی و ذهنی کافی وجود دارند. جنبش دانشجویی با بهره‌گیری از تجربه‌های سالیان اخیر و در پیوند با مبارزات سراسری در جامعه می‌تواند همچنان در مقام نیرویی اثرگذار در معادله‌های سیاسی به‌سود جنبش مردمی در صحنه‌های مبارزه حضور داشته باشد. بانزدیک شدن به شانزدهم آذر، روز دانشجو، حرکت در مسیر بازسازی توان جنبش دانشجویی را می‌توان سرعت بخشید!

راهبرد اقتصادی رژیم ولایت‌فقیه، و حضور انحصارهای فراملی در بازار ایران: تحریم‌های امپریالیستی زمینه حضور شرکت‌های بزرگ خارجی را فراهم کرد

گزارش‌ها و خبرهای موق‌متعددی از گشایش بازار ایران به روی شرکت‌های بزرگ و انحصارهای فراملی حکایت می‌کنند. هم‌زمان با اعلام سیاست "ترمش قهرمانانه" ولی فقیه و تلاش رژیم برای حل‌وفصل مسئله‌هایش با آمریکا و اتحادیه اروپا، رسانه‌های همگانی از تدارکی وسیع به‌منظور افتتاح و راه‌اندازی اتاق بازرگانی ایران و آمریکا خبرهایی را منتشر ساخته‌اند. خبرگزاری تسنیم، ۲۳ مهرماه، گزارش داد که، اتاق بازرگانی ایران و آمریکا در خاک ایالات متحده به ثبت رسیده است و این خبر مورد تأیید رییس بانک مرکزی جمهوری اسلامی قرار گرفته است. گزارش‌های دیگر حاکی از آن است که، هنگام دیدار هیئت اقتصادی جمهوری اسلامی با مسئولان صندوق بین‌المللی پول در واشنگتن، دستور ویژه‌ای برای تشکیل اتاق بازرگانی مشترک میان ایران و آمریکا صادر شده است. پیش از این، با تغییر قراردادهای نفت و گاز و پذیرش آن‌ها از سوی وزارت نفت - یعنی



شدت بخشیدن به مبارزه در راه آزادی، عدالت اجتماعی، و حق حاکمیت ملی: جنبش دانشجویی و اولویت بازسازی آن

حضور حسن روحانی در مراسم نمادین آغاز سال تحصیلی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و همچنین خبرهای مرتبط با آن در خلال هفته‌های اخیر، مسئله دانشگاه‌ها و جنبش دانشجویی کشور را بار دیگر در رسانه‌های همگانی برجسته ساخت. بنابر گزارش‌های انتشار یافته، هنگام حضور روحانی در دانشگاه تهران، حراست دانشگاه، بسیج دانشجویی، و گروهی از لباس شخصی‌ها، به دانشجویان یورش بردند و لاقلاً ۴ تن از دانشجویان در محوطه دانشگاه فنی از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

این رویداد و بازتاب گسترده‌اش در دیگر مراکز آموزش عالی در سراسر کشور و نیز واکنش دانشجویان به آن، ثابت می‌کند که جنبش دانشجویی، با همه دشواری‌هایی که با آن‌ها دست به‌گریبان است و با وجود پیگرد هدفمند و دائمی، توان و ظرفیت‌های معینی برای بازسازی و احیای موقعیتش و سپس شدت بخشیدن به مبارزه در راه آزادی و عدالت اجتماعی و حق حاکمیت ملی را در خود دارد. رژیم ولایت‌فقیه نیز از این توان و ظرفیت‌ها آگاه است، و از این روی، با تمام نیرو می‌کوشد بازسازی و احیای دوباره توان جنبش تاثیرگذار دانشجویی را مانع گردد. هم‌زمان با رخ دادهای دانشگاه تهران، سال تحصیلی جدید دانشگاه‌ها با افزایش تدبیرهای امنیتی همراه بود. به گزارش دانشجو نیوز، به‌دستور مسئولان دانشگاه و اشاره وزارت اطلاعات، نشریه دانشجویی "تکاپو"، وابسته به دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، توقیف شد. دانشجو نیوز در این باره نوشت: "با دستور مسئولین دانشگاه امیرکبیر نشریه تکاپو توسط عوامل انتظامات از صحن دانشگاه جمع‌آوری گردید. این اتفاق درحالی رخ داد که نشریه تکاپو در این شماره ی خود طی ویژه‌نامه‌ای به موضوع فوت آمنه زنگنه پرداخته بود... خانم زنگنه یکی از دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه امیرکبیر بود که دوسال پیش در اثر گازگرفتگی در حمام خوابگاه دانشگاه درگذشت." علاوه بر این، نشریه دانشجویی "توبهار"، وابسته به دانشجویان دانشگاه یزد، نیز توقیف شد.

حراست دانشگاه همدان نیز همراه با بسیج دانشجویی، از گردهمایی دانشجویان در اعتراض به مرگ یک دختر دانشجو مانع شدند. وضعیت ناگوار خوابگاه‌ها به دلیل کمبودهایش، از جمله مسئله‌هایی است که اعتراض دانشجویان در سراسر کشور را برانگیخته است، اعتراض‌هایی که نیروهای امنیتی

ادامه تأملی بر رویدادهای ایران ...

قراردادهایی که به مشارکت و مالکیت مشترک مشهورند- مطبوعات داخلی و خارجی از ورود برخی انحصارهای بزرگ نفتی به ایران خبر داده بودند. خبرگزاری مهر، ۲۴ مهرماه، نوشت: "سرپرست معاونت امور بین‌المللی و بازرگانی وزارت نفت در خصوص آمادگی برخی از شرکت‌های بزرگ نفت و گاز جهان همچون شیل انگلیس- هلندی و توتال فرانسه به منظور بازگشت به صنعت نفت ایران گفت، مذاکره با شرکت‌های نفت و گاز جهان آغاز شده است اما قطعاً این مذاکرات یک‌روزه به نتیجه نخواهد رسید. وی با تأکید بر اینکه مذاکرات با شرکت‌های بزرگ نفتی خارجی قطعاً باید فرآیندی را پشت سر بگذارد، تصریح کرد، در این بین در چند هفته گذشته با بهبود روابط دیپلماتیک و خارجی ایران، درخواست‌های متعددی از سوی شرکت‌های خارجی برای بازگشت به صنعت نفت مطرح شده است... محدودیتی [خوب توجه کنید: محدودیتی] برای مشارکت خارجی در صنعت نفت وجود ندارد."

قبلاً نیز خبرگزاری‌های مهر، ایلنا، و فارس، در گزارش‌هایی از قول وزیر نفت دولت یازدهم خاطر نشان ساخته بودند که، هم‌زمان با نشانه‌هایی از آب شدن یخ روابط دیپلماتیک تهران- واشنگتن، پس از شیل، توتال و برتیش پترولیوم، شرکت‌های بزرگ نفت و گاز آمریکا هم برای بازگشت به صنعت نفت ایران اعلام آمادگی کرده‌اند.

حضور شتابان و بی‌واسطه و جدی شرکت‌های بزرگ و انحصارهای فراملی فقط به صنعت ملی نفت و گاز و پتروشیمی ایران محدود نمی‌شود. صنعت خودروسازی نیز از جمله عرصه‌های مورد علاقه انحصارها به ویژه شرکت‌های بزرگ آمریکایی و انگلیسی است. روزنامه بهار، میانه مهرماه، در گزارشی یادآوری کرده بود: "نزدیک به شش ماه است که نماینده‌های جنرال موتورز به ایران رفت و آمد دارند و ظاهراً در حال ارزیابی بازار هستند اما بیشتر از ارزیابی بازار آن‌ها در حال نوشتن پیش‌نویس قراردادی با ایرانی‌ها و شروع فعالیت جنرال موتورز در ایران هستند... طبق این گزارشی شرکت هواپیمایی ایرباس و البته شرکت کاترپیلار هم ظاهراً این روزها برای ورود بیشتر به بازار ایران چراغ سبز گرفته‌اند و فعالیت‌هایشان را شروع خواهند کرد." در ادامه این گزارش آمده است: "پیش از گرم شدن رابطه ایران - آمریکا، مسئولان ایرانی از رهبر ایران اجازه گرفتند تا [با] بعضی [از] مقام‌های آمریکایی مذاکره کنند... قبل از این که انتخابات ۱۴ ژوئن برگزار و حسن روحانی به عنوان رییس جمهوری انتخاب شود، عده‌ای از مقام‌های رده‌بالای انقلاب [نظام] چک لیستی از شرکت‌های آمریکایی تهیه کرده بودند که کار با آن‌ها برای ایران مناسب بود." علاوه بر این‌ها، سخن از آغاز فعالیت برخی از مهم‌ترین شرکت‌های آمریکایی و انگلیسی در بازار ایران است که موافقت ولی فقیه و سران نظام در این رابطه نیز کسب شده است. هم‌چنین ایسنا، ۴ آبان‌ماه، نوشت که، شرکت‌های اروپایی به‌زودی جایگزین شرکت‌های چینی در صنعت خودروی ایران می‌شوند.

هم‌زمانی حضور انحصارهای فراملی با اجرای راهبرد اقتصادی رژیم، به خصوص ابلاغیه اصل ۴۴ ولی فقیه، رژیم، سطح و ابعاد فعالیت امروز و فردای شرکت‌های بزرگ خارجی در کشور را به خوبی نشان می‌دهد. آیا اندک تولید ملی و داخلی‌ای که بر اثر سیاست‌های ضدملی رژیم و تحریم‌های ویرانگر امپریالیستی از نفس افتاده است، از پس رقابت با این یورش همه‌جانبه برخواهد آمد؟

گسترش همکاری با صندوق بین‌المللی پول، و اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها

نشست‌های مشترک دولت و مجلس درباره چگونگی اجرای

قانون هدفمندی یارانه‌ها، زمان اجرای فاز دوم آن، و نیز موضوع پرداخت یارانه‌های نقدی، به یکی از مسئله‌های مهم و بسیار حساس در مقطع زمانی کنونی تبدیل گردیده است. درحالی‌که رایزنی و تبادل نظر بین مسئولان ارشد دولت با نمایندگان مجلس پیرامون اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها ادامه دارد، خبرگزاری تسنیم، ۲۲ مهرماه، گزارش داد که، سازمان هدفمندی یارانه‌ها پس از تغییر رییس و مسئولان آن، به دولت و مجلس پیشنهاد داده است که یارانه پرداختی به مردم ۳ تا ۶ ماهه شده و دولت به جای پرداخت یارانه به دهک‌های بالا، به آن‌ها اوراق مشارکت بدهد.

پیش از این روزنامه شرق، ۱۶ مهرماه، نوشته بود: "جلسه ویژه دولت و مجلس برای حذف ۳ دهک؛ ۵ راهکار برای جبران کسری پرداخت یارانه‌ها پیشنهاد شد... مهم‌ترین چالشی که دولت یازدهم در سال جاری با آن مواجه است کسری بودجه‌ای است... حذف ۳ دهک از پرداخت یارانه‌ها به معنی پرداخت ۳۰ درصد کمتر از ۴۲ هزار میلیارد تومان یارانه پیش‌بینی شده است... همچنین دولت با انتشار اوراق مشارکت و واگذاری پروژه‌های نیمه‌تمام به بخش خصوصی البته به شرط بهبود شرایط اقتصادی، می‌تواند بخشی از کسری‌ها را جبران کند."

آن‌چنان‌که پیداست، چگونگی ادامه اجرای هدفمندی یارانه‌ها اینک به معضلی برای دولت حسن روحانی تبدیل شده است. صدمه فاجعه باری که از اجرای این برنامه به اقتصاد ملی، بنیه تولیدی، و زندگی اکثریت مردم میهن ما وارد گردیده است فقط به کسری بودجه دولتی محدود نمی‌شود. نتیجه اجرای آزادسازی اقتصادی به دستور بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول عبارت بوده است از: گسترش فقر، نابودی صنایع و تولید بخش کشاورزی، کاهش قدرت خرید مردم، و پایین آمدن ارزش پول ملی، و رشد تورم! در این خصوص ایلنا، ۲۵ مهرماه، در گزارشی از قول دبیر خانه کارگر استان مازندران، تأکید کرد: "مقرر شده بود هدفمندی یارانه‌ها کمک حال اقشار ضعیف جامعه باشد درحالی‌که هدفمند کردن یارانه‌ها کمر جامعه کارگری [بخوان: طبقه کارگر] و دیگر زحمتکش‌ان را خم کرده است... مقرر شده بود درمان رایگان باشد به همین دلیل در محاسبه سبد کالا در هیچ دولتی هزینه درمانی لحاظ نمی‌شده است، اما در حال حاضر درد تأمین هزینه‌های درمان بیش از بیماری رنج‌آور است." این فقط یک نمونه از پیامدهای فاجعه بار اجرای آزادسازی اقتصادی زیر عنوان قانون هدفمندی یارانه‌هاست.

چندی پیش وزیر اقتصاد اعلام کرد که، ماهیانه ۳۵۰۰ میلیارد تومان صرف پرداخت یارانه نقدی می‌شود. همچنین معاون رییس جمهوری یادآور شده بود که، ماهیانه حدود هزار میلیارد تومان کسری منابع مالی مربوط به پرداخت‌های نقدی یارانه‌ها داریم. این مبلغ‌های هنگفت گویای حجم عظیم و میزان شگفت‌آور منابع مالی‌ای است که در جریان برنامه آزادسازی اقتصادی نقل و انتقال می‌یابند و درعین حال پیامدهای زیان‌بار این آزادسازی بر شانه‌های خمیده مردم به‌خصوص زحمتکشان فکری و یدی گذاشته می‌شود. مسئله آزادسازی اقتصادی در راهبرد رژیم ولایت فقیه و سیاست "رئیس قهرمانانه"، جایگاه ویژه‌ای دارد. بی‌جهت نیست که هم‌زمان و به موازات دور جدید گفت‌وگوهای هسته‌ای، رژیم خواستار گسترش روابط با صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی شد.

در آخرین دیدار رییس بانک مرکزی [ایران] با روسای صندوق بین‌المللی پول در واشنگتن، پایتخت آمریکا، هیئت بلندپایه جمهوری اسلامی ضمن ارایه برنامه‌های اقتصادی خود و تأکید بر ادامه اجرای آزادسازی اقتصادی، تعمیق و گسترش روابط با این نهاد را خواستار گردید. علاوه بر این، معاون و مدیران صندوق بین‌المللی پول نیز از "شهامت" جمهوری اسلامی برای اجرای هدفمندی یارانه‌ها قدردانی کردند. این نهاد در آخرین گزارشش، با ارزیابی شاخص‌های اقتصادی و میزان پایبندی دولت به خصوصی‌سازی - به‌ویژه خصوصی‌سازی صنایع کلیدی - اعلام کرده بود که، جمهوری اسلامی سال آینده "از رکود اقتصادی خارج" می‌شود!

ازهم‌اکنون نتیجه گسترش روابط با صندوق بین‌المللی پول را می‌توان پیش‌بینی کرد. ژرفش شکاف طبقاتی، خصوصی‌سازی سریع‌تر و جدی‌تر، و دریک کلام، حرکت شتابان رژیم به سمت بسته شدن به دم‌ارابه سرمایه‌داری جهانی و سیاست‌های آن در عرصه‌های مختلف، نابودی هرچه بیشتر اقتصاد ملی و تولید داخلی و ملی را سبب شده و می‌شود!

تفاوت در اندیشه اتحاد در عمل مبارزه با دیکتاتوری

از اوج گیری نارضایتی بین کارگران، کارمندان رده پایین اداره‌های مختلف دولتی و خصوصی، بازنشستگان کشوری و لشکری، به ویژه بازنشستگان مستمری بگير از تامین اجتماعی، آموزگاران، پرستاران، دانشجویان سراسر کشور، و نیز روستاییان، نشانه‌های تأمل برانگیزی دیده می‌شود. برخورد خشن ارگان‌های امنیتی با اعتراض گروهی از مردم استان هرمزگان و بازداشت تندی چند از معترضان، اعدام‌های وحشیانه و انتقام‌جویانه اخیر در منطقه‌های مانند کردستان و سیستان و بلوچستان، تهدیدهای قوه قضایه و دادگاه‌های انقلاب اسلامی، سیاست واقعی رژیم در برخورد با خواست مردم را به روشنی نشان می‌دهد.

بدون بازسازی تکیه‌گاه جنبش و بدون حرکت و اعتراض اجتماعی مؤثر، سازمان‌یافته، و هماهنگ، به خواست‌هایی همچون آزادی زندانیان سیاسی و رفع حصر نمی‌توان دست یافت. از این‌رو، با در نظر داشت وضعیت کنونی، ضروری است تا با استفاده از هر روزنه، امکان، و دریچه‌یی در راستای بازسازی تکیه‌گاه اجتماعی جنبش حرکت کرد، و عامل مردم در معادله‌های صحنه سیاسی را تقویت کرد. در این شرایط حساس هستند نیروهایی که هم زیر لوای "پوزسیون" و هم زیر پرچم "اصلاح طلبی" مردم را به تحمل بیشتر دشواری‌ها، سرکوب و اختناق و محرومیت اقتصادی و پرهیز از مبارزه اجتماعی بر ضد رژیم ولایت فقیه فرا می‌خوانند و گام گذاشتن در راه مبارزه اجتماعی با رژیم را برای آینده مملکت خطرناک می‌دانند. این گونه نظرات سازش طلبانه با رژیم استبدادی برای مردم ما تازگی ندارد. در گذشته عین همین سیاست با عناوینی همچون "آرامش فعال" "چانه زنی در بالا و فشار از پایین" به دفعات به آزمایش گذاشته شد و نتیجه‌ای جز شکست، سرخوردگی و عقب‌گرد برای جنبش اصلاح طلبی به همراه نداشت.

ماهیت ضد مردمی و عمیقاً استبدادی رژیم ولایت فقیه با تغییر دولت و روی کار آمدن مجموعه جدیدی از کارگزارانی که عملکرد سیاسی خود را بر اساس تأیید و یا عدم تأیید ولی فقیه رژیم تنظیم می‌کنند، تغییر نخواهد کرد. بر همین اساس است که اسناد ششمین کنگره حزب توده ایران به درستی و با دقت بر این نظر پای می‌فشارد که:

"بر این اساس، شعار طرد رژیم ولایت فقیه از سوی حزب ما معنای دقیقاً مشخصی دارد. ما خواهان حذف ساختار ولایت فقیه از چارچوب نظام سیاسی کشور را خواستاریم، و معتقدیم که، با حفظ این ساختار اصل جمهوریت نظام سیاسی کشور، که اکثریت قاطع مردم ما به آن رأی داده‌اند، بی ارزش و اعتبار خواهد بود. همان طور که نمونه‌های بالا نشان می‌دهد، اصل ولایت فقیه تضاد آشکار و حل‌ناشدنی با اصل حاکمیت مردم، با اصل جمهوریت، با اصل وجود مجلس برگزیده مردم، و با اصل وجود قوه قضائیه‌یی مستقل دارد. تجربه سی و چهار سال گذشته، چه در دوران خمینی و چه در دوران جانشین او، علی‌خامنه‌ای، چنین تضادی را بارها به اثبات رسانده است. بدین سان، تصور اینکه می‌توان روبنای کنونی، یعنی حاکمیت اصل ولایت فقیه، را در روندی استحاله بخشیده و به ساختاری حامی منافع مردم بدل کرد، خیال خام و آزمودن آزموده‌هاست. واقعیت این است که، بخش بزرگی از نیروهای ملی و مذهبی، در کنار اکثریت قاطع مردم ما، در طول بیست سال گذشته، با تجربه ملموس خود از زندگی نیز به همین درک نزدیک شده‌اند، و از این روی حزب ما معتقد است که، شعار طرد رژیم ولایت فقیه در شرایط کنونی کشور، هم‌چنان باید شعار محوری مبارزه باشد. افزون بر این، حزب ما راهکار اجرا و عملی شدن چنین شعاری را از طریق برپایی جبهه ضد استبدادی و ضد دیکتاتوری‌ای وسیع، ممکن می‌داند."

ادامه ماهیت رژیم ولایت فقیه ...

اقتصادی و لغو تحریم‌های مخرب خارجی خواهد بود. حوادث هفته‌های اخیر، از جمله سفر روحانی به نیویورک، گفت و گوی تلفنی با اوباما، و دیدارها با نمایندگان کشورهای اروپایی و پارلمان اروپا و همچنین سفر جواد ظریف به ترکیه و دیدار با مقام‌های این کشور، مویذ این اولویت دولت روحانی است.

البته حد و حدود مذاکرات دولت "امید" نیز از سوی سران رژیم ولایت فقیه تعیین و تنظیم می‌گردد و کسی اجازه یا بیرون گذاشتن از حدود تعیین شده از سوی "ولی فقیه" را ندارد.

خبرگزاری "مهر"، ۲۸ مهرماه، از قول علی لاریجانی گزارش داد: "بنا نیست برای ایران مقررات خاص تدوین شود... در این شرایط هم مذاکره‌کنندگان ایرانی باید توجه تام داشته باشند و هم مجلس شورای اسلامی چنانچه احساس کند طرف‌های قدرتمند رفتار دوگانه و غیرموجهی دارند در زمینه تنوع فعالیت‌های هسته‌ای، مقررات لازم را مصوب خواهد کرد."

لاریجانی در خلال همین سخنان اظهارات اخیر رفسنجانی درباره نامه به خمینی درخصوص مذاکره با آمریکا را مورد انتقاد قرار داد.

روزنامه توقیف‌شده بهار، ۲۷ مهرماه، نوشت: "عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس... می‌گوید، در این سفر فاصله بین پارلمان‌های ایران و اتحادیه اروپا... در مقایسه با گذشته کمتر می‌شود... بررسی تحریم‌ها به‌ویژه آن‌هایی که از سوی اروپا اعمال شده... و همچنین ایجاد آرامش در فضای بین‌المللی و تشویق به سرمایه‌گذاری در ایران... محورهای اصلی ایران در دیدار با هیات پارلمانی خواهد بود... ما حاصل تغییر مواضع دولت در عرصه روابط بین‌المللی، نوع همراهی مقام معظم رهبری با دولت... به‌شمار می‌آید و حالا زمان آن فرا رسیده که مجلس ضمن استفاده بهینه از آن، عصای دست دولت در عرصه دیپلماسی باشد." به‌هر روی، در گرماگرم این رویدادها، حسن روحانی با دفاع از سیاست هسته‌ای دولت و تأکید بر اینکه از حمایت "رهبری برخوردار" است، سه وزیر پیشنهادی‌اش را به مجلس معرفی کرد. رأی اعتماد ندادن به وزیر پیشنهادی ورزش روحانی حد و امکان مانورهای دولت در مقابل اهرم‌های اساسی قدرت سیاسی در رژیم ولایت فقیه را نشان می‌دهد.

در هفته‌های اخیر انتشار نامه فاطمه کروبی و مصطفی تاج زاده بازتاب گسترده‌ای در داخل و خارج پیدا کرد. موضوع حصر خانم رهنورد، و آقایان میرحسین موسوی و کروبی، و در کنار آن، آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی از خواست‌های درنگ‌ناپذیر مردم میهن ما و همه نیروهای ملی و ترقی‌خواه کشور است. طرح مجدد این خواست و پافشاری بر آزادی بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی بدون استثناء و رفع حصر از خانم رهنورد، و آقایان میرحسین موسوی و کروبی، نگرانی و هراس واپس‌گرایان به‌ویژه ولی فقیه را به‌دنبال داشت. در موضع گیری حساب‌شده‌ای، محمدرضا باهنر در گفت و گویی اعلام داشت: "نظرات کروبی و موسوی در رفع حصر آنها موثر است."

چنین موضع‌گیری‌هایی پس از آن بیان شد که اژه‌ای، دادستان کل جمهوری اسلامی و سخنگوی قوه قضائیه، پس از نشر خبرهایی درباره انتقال پرونده حصر به شورای عالی امنیت ملی، تأکید کرده بود: "اتفاق خاصی نیفتاده و پرونده به جایی محول نشده؛ در جریان فتنه ۸۸ ظلم بزرگی به مردم و نظام وارد شد... آنهايي که در مظان اتهام قرار دارند باید نسبت به جبران ظلمی که به نظام و... [وارد] کرده‌اند اقدام کنند."

سیاست رژیم در قبال آزادی زندانیان سیاسی - عقیدتی و حصر خانگی رهبران جنبش سبز، تابعی از سیاست کلی آن در مهندسی خواست‌ها و اعتراض‌های اجتماعی است. واپس‌گرایان و به‌ویژه شخص ولی فقیه، می‌کوشند با مانورهای حساب‌شده جنبش مردمی را در موضع تدافعی قرار دهند و از بازسازی بدنه اجتماعی جنبش ممانعت کنند. سران رژیم بیم آن را دارند که در اوضاعی که در آن با چالش‌های پرشماری دست به‌گریبانند، هر اقدام از نظر آنان نابه‌هنگام، محاسبه‌های شان را به‌هم‌ریزد و به حضور دوباره جنبش مردمی در معادله‌های صحنه سیاسی منجر شود.

این هراس به‌ویژه با توجه به نارضایتی ژرف مردم از ادامه اجرای همان برنامه‌های مخرب اقتصادی‌ای که در دوران هشت ساله احمدی‌نژاد برای میهن ما فاجعه بار بود دوچندان شده است.

خواست‌های مردم، ضروری بودن تغییر، و برنامه‌های کلان اقتصادی

موضع‌گیری‌های ولی‌فقیه در خصوص تحرک‌های دیپلماتیک دولت حسن روحانی، به‌ویژه موضوع ادامه مذاکره با آمریکا، و در کنار آن، نشست مشترک دولت و مجلس، گفت‌وگوهای هسته‌ای با کشورهای "۵ به علاوه ۱" در ژنو، و همچنین سیاست جدید در قبال پرداخت یارانه‌های نقدی، از مهم‌ترین رویدادهای هفته‌های اخیر به‌شمار می‌روند. درهم تنیدگی و ارتباط متقابل برنامه‌های اقتصادی رژیم برای یافتن راه برون‌رفت از بحران و نابسامانی‌های اقتصادی با سیاست خارجی و رویکرد جدید دیپلماسی، توجه دقیق به این دو عرصه را ضروری می‌سازد.

گواهِ بسیار روشن این واقعیت، نشست مشترک دولت و مجلس بود که بلافاصله پس از بازگشت روحانی و هیئت همراه، برگزار شد و در آن هر دو موضوع وضعیت اقتصادی کشور و روابط خارجی، به موازات و شانه‌به‌شانه یکدیگر، طرح و مورد گفت‌وگو قرار گرفتند.

در این زمینه رسانه‌های همگانی در داخل کشور اعلام کردند که، در این جلسه مشترک دولت به‌ویژه در زمینه مسائل اقتصادی جنبه‌هایی از راهبرد خود را برای نمایندگان توضیح داده است. خبرگزاری مهر، ۱۰ مهرماه، در این باره از جمله گزارش داد: "ریاست مجلس شورای اسلامی و رئیس جمهور در جلسه... در دو محور سخنرانی کردند یکی مسایل اقتصادی و دیگری روابط خارجی و مناقشه ایران و آمریکا... در مسایل اقتصادی تأکید هردو طرف بر اصلاح اقتصاد داخلی، ساماندهی معیشت مردم، هدفمند کردن یارانه‌ها، کنترل تورم و تأمین کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم بود. آقای روحانی همچنین در این جلسه قول داد که ارز تک‌نرخ‌ی شده و نوسانات بازار کنترل شود."

در همین حال، محمدباقر نوبخت، سخنگوی دولت، نیز در گفت‌وگویی ویژه با شبکه دوم سیما جمهوری اسلامی، خاطرنشان ساخت که، دولت برای بهبود وضعیت اقتصادی خصوصاً معیشت مردم تاکنون ۳۵ مصوبه ارائه کرده است.

در حالی که اصطکاک منافع جناح‌ها و کانون‌های ثروت و قدرت در چارچوب سیاست به اصطلاح "نرمش قهرمانانه" در تمامی زوایا قابل رؤیت است، آمارهای رسمی منتشر شده واقعیت دردناک زندگی و معیشت مردم، خصوصاً توده‌های محروم جامعه، را در معرض دید و داوری قرارداده‌اند و می‌دهند.

به گزارش بانک مرکزی، ۱۳ مهرماه، افزایش قیمت اغلب کالاها و نیز خدمات عمومی ادامه داشته است و برخی کالاها در طول کمتر از یک سال بیش از ۷۰ درصد گران شده‌اند. مطابق این گزارش رسمی، میانگین قیمت خردفروشی گروه فراورده‌های شیری (لبنیات) در هفته منتهی به پنجم مهرماه سال جاری نسبت به هفته مشابه سال قبل ۴/۲۴ درصد، تخم‌مرغ ۲۱/۱ درصد، برنج ۷۰/۲ درصد، حبوبات ۴/۸۳ درصد، میوه‌های تازه ۶/۷۴ درصد، سبزی‌های تازه ۴/۹۰ درصد، گوشت قرمز ۷/۳۶ درصد، گوشت مرغ ۲/۳۸ درصد، قند و شکر ۴/۴۱ درصد، چای ۸/۴۸ درصد و روغن نباتی ۷/۵۳ درصد افزایش داشته است.

همچنین به گزارش خبرگزاری مهر، ۱۴ مهرماه، اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی با اعلام شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران، نرخ تورم در شهریورماه امسال را ۱/۴۰ درصد تعیین کرده است. پیش از این، مرکز آمار جمهوری اسلامی خاطرنشان ساخته بود که، بر پایه برآوردهای دقیق آماری و ارزیابی‌های انجام پذیرفته، رشد اقتصادی بدون نفت کشور در سال گذشته منفی ۴/۵ درصد و با نفت، منفی ۱/۳ درصد بوده است.

در کنار این آمار و ارقام، توجه به سخنان وزیر اقتصاد دولت روحانی در خصوص دورنمای اقتصادی - اجتماعی کشور و تأثیر دیپلماسی جدید و رویکرد دولت در روابط بین‌المللی از اهمیت برخوردار است، زیرا زاویه‌هایی از راهبرد رژیم ولایت‌فقیه را آشکار می‌سازد که در

ماه‌های اخیر کمتر بدان توجه لازم صورت گرفته است. علی‌طیبنیا، وزیر اقتصاد، که از مدافعان پروپاقرص برنامه‌های صندوق بین‌المللی و بانک جهانی است، در جریان مراسم تودیع و معارفه مدیر عامل بانک ملی ایران، ۱۳ مهرماه، پیرامون تأثیر متقابل روابط خارجی و تأثیر تحریم‌های مداخله‌جویانه و سیاست‌های اقتصادی، اعلام داشت: "اگر امید بندیم تحریم‌ها در آینده نزدیک برداشته و گشایشی حاصل می‌شود، خیال باطلی است، زیرا رفع تحریم‌ها امری بلندمدت است حتی اگر مذاکرات گشایش یابد و درآمدهای نفتی به سمت کشور سرازیر شود باز هم با آسیب‌هایی ناشی از درآمد نفتی مواجه خواهیم بود." وزیر اقتصاد همزمان در جمع مدیران بانک مسکن، با تأکید یادآوری کرده بود: "بنا به جدیدترین آمار منتشره حجم نقدینگی به ۵۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده، ضریب فرایند نیز از پنج بالاتر است و نرخ پایه پولی به سطح ۱۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است... افزایش نقدینگی باعث رشد نرخ تورم شده است. در مورد طبقات محروم جامعه در شرایط تورمی، رشد رسمی درآمدها از رشد قیمت‌ها پایین‌تر است. براساس گزارش ایسنا، ۱۶ مهرماه، تورم روستایی به ۴۲ درصد رسیده است.

مقایسه این آمار که از زبان یک مقام درجه اول رسمی بیان می‌شود با وضعیت کار و زندگی توده‌های محروم جامعه و به‌طور کلی اکثر افراد جامعه، نشانگر ژرفای فاجعه‌ی است که مسئول مستقیم آن رژیم ولایت فقیه و عملکرد آن در طول سالیان گذشته بوده و هست! خبرگزاری مهر، اوایل مهرماه، گزارش داد، بر پایه بررسی‌های انجام‌پذیرفته از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، شکاف فزاینده بین نرخ تورم و دستمزد کارگران در طول سالیان گذشته (مقطع زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱) موجب شده تا بخش مهمی از کارگران عملاً دستمزدی کمتر از حداقل معیشت دریافت کنند. در این گزارش تصریح شده است که، اختلاف درآمد خانوارهای ایرانی - اختلاف و شکاف طبقاتی - ده برابر شده است. در گزارش نام‌برده فید گردیده است: "در حالی که نرخ تورمی اعلامی از سوی بانک مرکزی به میزان ۹/۳۶ درصد در سال گذشته بود، میزان افزایش حداقل دستمزد سالیانه توسط شورای عالی کار تنها به میزان ۰۹/۱۸ درصد و تأیید و به تصویب نهایی رسید، و در این بخش ۸۱/۱۸ درصد اختلاف رشد دستمزد با نرخ تورم به زیان کارگران باقی ماند. این اختلاف درآمدی در میان سایر مزدبگیران و زحمتکشان، به ویژه معلمان، پرستاران، و کارمندان پایین‌رتبه و متوسط دوایر دولتی و خصوصی، نیز به چشم می‌خورد و سبب سقوط سطح زندگی آنان گردیده است. به‌علاوه، ایسنا، ۲۵ شهریورماه، در گزارشی اعلام داشت: "شاخص قیمت کالا و خدمات مصرفی خانوارهای روستایی با رشد حدود ۳۵۶ رقیمی، از ۶/۴۳۳ در شهریورماه ۹۰ به ۱/۷۸۹ در مردادماه ۹۲ افزایش یافته است... شاخص قیمت در کالا و خدمات روستایی در ۲۴ ماه گذشته همواره روندی صعودی و گاهی با جهش‌های تند را طی کرده است، به‌طوری که گاهی از ۵۱۸ به ۵۲۰ و گاهی دیگر از ۷۰۲ به ۷۴۸ از یک ماه به ماه دیگر افزایش یافته است... بر این اساس روستاییان ضمن آنکه در فاصله ۲ سال رشد ۱۰ درصدی در تورم را تجربه کرده‌اند، در هفت ماه، یعنی فاصله بین دی‌ماه ۹۱ تا مردادماه گذشته نیز افزایش ۱۰ درصدی سطح قیمت‌ها به آنان تحمیل شده است. این در حالی است که تورم نقطه به نقطه حتی در فاصله یک‌ساله یعنی خردادماه ۹۱ تا همین ماه (شهریورماه ۹۲) رشد ۲۵ درصدی را برای روستاییان داشته [است]."

چنین آماري گواهِ فقر روزافزون و سقوط سطح زندگی زحمتکشان شهر و روستا است. علت اصلی این وضعیت، اجرای فرمان‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به همراه تحریم‌هاست. در واقع این سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت‌فقیه است که به کاهش قدرت خرید مردم و رشد پدیده فقر منجر شده است، و تحریم‌های امپریالیستی این روند را سرعت بخشیده‌اند. پرسش اینجاست: دولت روحانی با کدام راهبرد اقتصادی در پی حل و بهبود معیشت مردم است؟ مسعود نیلی، چهره مورد اعتماد بانک جهانی و از نظریه‌پردازان اقتصادی جمهوری اسلامی، با صراحت تمام راه‌حل را در ادامه برنامه آزادسازی اقتصادی و به موازات آن بهبود روابط با آمریکا و اتحادیه اروپا ارزیابی می‌کند. به گزارش روزنامه اعتماد، ۱۰ مهرماه، نیلی اعلام می‌کند: "یکی از دلایلی که محیط کسب و کار ایرانیان را ناکارآمد کرده دخالت‌های دولت است... چالش اساسی [دیگر] نظام [نا]کارآمد یارانه‌ای است... اصلاح قیمت حامل‌های انرژی بدون توجه به اصلاح سایر بازارها انجام شد." معنای این سخنان روشن است. افرادی چون مسعود نیلی توصیه

ادامه مبارزه با برنامه های اقتصادی رژیم ...

فروش می‌رسند؛ "تعویق ۶ ماهه حقوق ۱۵۰ کارگر کاشی سمند سمنان؛" "تعویق ۶ ماهه حقوق ۵۵ کارگر کارخانه آب کامه" سمنان. ...

روز پنجم آبان ماه، حدود ۱۷۰ نفر از کارگران اخراج شده کارخانه "فولاد زاگرس"، در اعتراض به اجرا نشدن وعده‌های پیشین مجلس و بی‌توجهی مسئولان استانی، برای سومین بار به تهران آمده و در مقابل ساختمان مجلس تجمع کردند. علاوه بر این، در هفته‌های گذشته، کارگران پیمان کار پتروشیمی در منطقه ماهشهر، کارگران اخراجی شرکت صدرا، با برپایی اعتصاب و اعتراض خواستار بهبود وضعیت خود شدند. با توجه به جنبش اعتراضی زحمتکشان، ژرفای نارضایتی ناشی از اجرای برنامه‌های اقتصادی را می‌توان تشخیص داد.

با وصف اجرای سیاست‌های ضد مردمی در داخل کشور و بهره‌کشی ظالمانه حتی از کودکان کارگران و زحمتکشان ایران، کارگزاران مرتجع رژیم ولایت فقیه در گردهمایی‌های بین‌المللی و به‌هنگام دیدار با مسئولان سازمان‌های جهانی، این سیاست‌ها را به‌طور کامل به‌گونه‌ای دیگر باز نمود می‌کنند. در این رابطه، به یک نمونه اشاره می‌کنیم. علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی رژیم، بعد از دیداری با هلن کلارک، معاون دبیرکل سازمان ملل متحد، در جمع خبرنگاران گفت: "نتیجه ملاقات امروز امضای تفاهنامه‌ای برای مطالعات توسعه انسانی بود."

سوال‌های مهمی که پیش کشیده می‌شوند عبارتند از: آیا ربیعی در این دیدار خانم کلارک را از برنامه خود برای توسعه طرح استاد شاگردی آگاه کرد؟ آیا به ایشان گفت که براساس این طرح ارتجاعی، کودکان ایرانی باید حداقل دو برابر زمان مندرج در استانداردهای آموزشی و تا سقف ۲ سال کار بکنند؟ آیا گفت که به‌طور قطع در این مدت از شمول قانون کار و قانون تأمین اجتماعی خارج خواهند بود؟ آیا ربیعی خانم کلارک را با بند ۱۰ ماده ۵ طرح ارتجاعی استاد شاگردی آشنا کرد؟ بنابر بند ۱۰ ماده ۵ طرح "استاد-شاگردی"، "به‌جهت آموزشی بودن طرح هیچ مبلغی تحت هر عنوان از جمله مزد و حقوق توسط استادکار به شاگرد پرداخت نمی‌شود." آیا ربیعی به خانم کلارک گفت که نظام "استاد-شاگردی" نمونه‌ای از برنامه‌های اقتصادی رژیم ولایت فقیه برای مقررات زدایی و تهیة نیروی کار ارزان، و سهم کودکان از آن، کار رایگان برای "کارآفرینان" جمهوری اسلامی است؟ آیا ربیعی به خانم کلارک گفت که نظام "استاد-شاگردی" تبلور مفهوم "عدالت" در رژیم ولایت فقیه است؟ توجه‌برانگیز آنکه، "محورهای توسعه و توسعه همراه با عدالت... کاهش فقر و بهبود سلامت"، فعلا از طریق به‌کارگیری کودکان کار تهران توسط پیمانکاران بازیافت شهرداری برای جمع‌آوری زباله انجام می‌گیرد؛ و برای نشان دادن نهایت رفت و اوج درایت رژیم ولایت فقیه در حل بنیادی معضل‌های جامعه، به‌خصوص معضل کودکان کار، شهرداری تهران قصد دارد "به‌مناسبت هفته رستوران‌گردی، کودکان کار و خیابان را برای یک وعده غذا میهمان رستوران‌های لوکس بکند. همانطور که در بالا اشاره شد، سیاست‌های اقتصادی

دولت روحانی با سیاست‌های قبلی که زیر عنوان‌های مختلف اجرا شده‌اند، تفاوتی بنیادی و ماهوی ندارند. طبقه کارگر ایران و جنبش‌های سوسیالیستی موجود زحمتکشان، به‌تجربه دریافته‌اند که معضل‌هایی چون بیکاری، کاهش قدرت خرید خانوارهای کارگری، اخراج‌ها، رواج قراردادهای موقت، تعطیلی کارخانه‌ها و فقر گسترده نتیجه مستقیم اجرای برنامه‌های اقتصادی-اجتماعی ضد مردمی است. مبارزه برای افزایش دستمزدها، تأمین امنیت شغلی، و به‌طو کلی، حقوق صنفی زحمتکشان نمی‌تواند از مخالفت با برنامه‌های اقتصادی جدا دانسته شود. دستیابی کارگران به حقوق راستین و منافع طبقاتی‌شان، فقط از طریق مبارزه‌ی پیگیر، متحد، و سازمان‌یافته ممکن خواهد شد.

ادامه بیکاری پدیده نوظهور ...

گزارش، سیف گفته بود: "قیمت ارز در بازار به کف رسیده و دیگر کاهش قیمت منطقی نیست." درحالی که لیلاز با ذوق زدگی از کاهش قیمت ارز صحبت می‌کند، می‌بینیم که نحله فکری‌ای که او به‌شدت از آن حمایت می‌کند به‌طور علنی جلو روند کاهش نرخ ارز را گرفت. در مورد "روزهای خوب اقتصاد" - که لیلاز از آن صحبت کرده است، سخنان طیب‌نیا، وزیر اقتصاد، در این باره جالب است. به گزارش روزنامه تهران امروز، ۱۴ مهر ماه، طیب‌نیا در مراسم تودیع و معارفه روسای قدیم و جدید بانک مسکن، گفت: "از یکسو برخی امیدوارند با رفع تحریم‌ها گشایشی فوری در اقتصاد ایجاد شود و از سوی دیگر هم مجلس با تأیید کسری بودجه هدفمندی پارانه‌ها به فکر حذف سه دهک پردرآمد جامعه برآمده است." البته لیلاز در این میان تنها نیست و چنین لاف‌زنی‌ها و خوش‌خیالی‌ها از سوی طیف‌های دیگری هم دیده می‌شود. به‌طورمثال، علی‌اکبر صالحی، وزیر خارجه سابق، در اوایل سال جاری، گفت: "جمهوری اسلامی در سال ۹۲ وارد فاز جدیدی خواهد شد. ما روی سکوی پرتاب قرار گرفته ایم و در سال جدید از این سکوی اوج خواهیم گرفت" (خبرگزاری مهر، ۱۳ فروردین‌ماه). و این درحالی است که بیش از ۷ ماه از سال ۹۲ گذشته است، و تنها ۵ ماه دیگر به سال آینده باقی مانده است. علی‌خامنه‌ای، ولی فقیه رژیم، امسال را سال حماسه سیاسی و اقتصادی نام گذاری کرده است. با مهندسی انتخابات در خرداد ماه، قسمتی از برنامه‌های سیاسی‌ای که مد نظر آنان بود انجام گرفت، اما در عرصه اقتصادی به‌نظر می‌رسد که با مشکلات جدی‌ای مواجه‌اند. چنین می‌نماید که محاسبه‌های‌شان در زمینه رفع تحریم‌ها با خوش‌خیالی زیادی همراه بوده است، و حتی اگر این خوش‌خیالی‌ها در طول چند ماه آینده صورت تحقق به‌خود گیرد، تغییری کیفی در عرصه اقتصادی پدید نخواهد آمد. این برداشت نه‌تنها از سوی مخالفان رژیم ولایت فقیه بلکه هم اکنون به‌وجهی بیشتر از سوی خود حکومتیان مرتب مورد اشاره قرار می‌گیرد. ما بارها اعلام کرده ایم و بار دیگر نیز تأکید می‌کنیم که، معضل‌های دانستگیر اقتصاد ایران - که بار سنگین آن بر دوش زحمتکشان میهن‌مان گذاشته شده است - از سیاست‌هایی ناشی می‌شوند که سالیان سال است همچنان اجرا و دنبال می‌گردند. ریشه اصلی این نابسامانی در سیاست‌های نولیبرالیستی‌ای است که از سوی همه دولت‌های ۲۴ ساله اخیر در پیش گرفته شده است. ما در دوران پس از جنگ و در دوره رفسنجانی با افزایش بیکاری مواجه بودیم. در دوران خاتمی همین وضعیت ادامه داشت و در دوران احمدی‌نژاد - با وجود درآمدهای نجومی نفت - در اوضاع و احوال اقتصادی هیچ‌گونه گشایشی پدید نیامد. در اینجا روی سخن‌مان با شخصت‌های شناخته شده‌ی همچون لیلاز و دیگر مداحان و حامیان نولیبرالیسم نیست. همچنین روی سخن‌مان با حامیان نولیبرالیسم در خارج از کشور - که در میان‌شان چپ‌های وازده هم یافت می‌شود - و نیز با مدافعان دولت روحانی و نحله فکری رفسنجانی نیست، روی سخن‌مان با نیروهای مترقی‌ای است که زیر تأثیر آتش سنگین تبلیغات نولیبرالیست‌ها قرار دارند - نولیبرالیست‌هایی که هم در رسانه‌های داخلی و هم در رسانه‌های خارج از کشور [همچون بی‌بی‌سی، صدای آمریکا، و رادیو فردا] یکه و تنها جولان می‌دهند - و حرف‌مان این است که، تأکید بر مقوله عدالت اجتماعی و تعیین سیاست‌های مردمی و مدافع زحمتکشان تنها راه راستین برون‌رفت میهن از وضعیت خطرناک کنونی است. سایت کلمه، ۱۵ اردیبهشت ماه، مقاله‌ی به‌قلم مصطفی تاج‌زاده منتشر کرد که در قسمتی از آن می‌خوانیم: "... جالب آن که امروز تمام نامزدهای اصولگرا انتقاداتی را متوجه احمدی‌نژاد می‌کنند که سال‌هاست اصلاح طلبان همان انتقادها را دارند. منتهی با یک روش ناچون‌مردانه و غیراخلاقی آن را مطرح می‌کنند و آن این است که ایشان مدعی‌اند که دولت نهم کارنامه‌ای کاملاً مثبت و قابل دفاع داشته و دولت دهم منحرف شده است ولی در اصل همه انتقاداتی که می‌کنند نسبت به کارهایی است که احمدی‌نژاد در دولت نهم انجام داده و اتفاقاً بزرگ‌ترین کار مثبتش که هدفمندی پارانه‌هاست که اصلش خوب بود و اجرای مفتضحی داشت، مربوط به دولت دهم است!" این مقاله در ارتباط با مسئله‌های اقتصادی نبود، اما اشاره نویسنده به طرح هدفمندی پارانه‌ها و مثبت ارزیابی کردن آن نگرانی‌های جدی‌ای را به‌همراه می‌آورد. متأسفانه طیفی از این نیروهای مترقی به چنین اغتشاش‌های فکری‌ای دچارند. ما بر این باوریم که، در روند تحول‌های سرنوشت‌ساز میهن، نقش سرمایه‌داری ملی که اساس فعالیت آن بر تولید متمرکز باشد، انکارناپذیر است، و هر گونه سیاستی که چنین نقشی را نادیده بگیرد، به چشم توده‌ها خاک پاشیده است. همه شریان‌های اقتصادی را در اختیار نهاد انگلی اتاقی‌بازگانی گذاشتن - نهادی که اعضای آن به سرمایه‌گذاری در امور تولیدی هیچ‌گونه تمایلی ندارند، و بیشتر هم‌وغم‌شان کارهای سودآور تجاری است - در طول این سی و چند سال گذشته جز نتیجه‌های مصیبت‌بار چیزی به‌همراه نداشته است. اعلام آمار جدید نرخ بیکاری، وضعیت فقرآمیز، و شرایط کاری زحمتکشان - به‌خصوص با که تا ن در دادن به دستمزدهای ناچیز همراه است - نه به یکی دو سال گذشته منحصر بوده است و نه تداوم آن صرفاً به دلیل تحریم‌های اقتصادی خواهد بود. سیاست‌های اقتصادی‌ای مبتنی بر عدالت اجتماعی می‌باید جایگزین سیاست‌های کنونی شوند. وظیفه نیروهای مترقی است که کارزار مبارزه با سیاست‌های نولیبرالیستی را در گستره افکار عمومی هر چه بیشتر شدت بخشد.



تلاش نیروهای ترقی خواه برای آزادی زندانیان سیاسی، و تأمین فعالیت‌های آزادانه صنفی و سندیکایی در ایران

تهران ممنوع‌الخروج است و به‌رغم دعوت از سوی جشنواره‌های مختلف، موفق به حضور در آن‌ها نشده است. هم‌اکنون فیلم "دربند" که این بازیگر برای بازی در آن موفق به دریافت سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر شده، بدون حضور او در جشنواره شیکاگو به نمایش درآمده است.

کمیته دفاع از حقوق مردم ایران ["کودیر"]، متشکل از فعالان اتحادیه ای و اجتماعی در اروپا و آمریکای شمالی، در ارتباط با حکم محکومیت خانم آهنگرانی بیانیه‌ی منتشر کرده است که در آن ضمن محکوم کردن این حکم ناعادلانه، خواهان اعمال فشار بین‌المللی بر حکومت ولایتی ایران برای آزادی زندانیان عقیدتی و افشای موارد نقض حقوق بشر در این رژیم شده است. در این بیانیه به تلاش‌های این کمیته در این راه اشاره شده است: "کودیر با اتحادیه‌های رسانه ای پرقدرتی در بریتانیا مثل "اتحادیه رادیو تلویزیون، سرگرمی، سینما و تئاتر" و "اتحادیه سراسری روزنامه‌نگاران" و "اتحادیه صنفی هنرمندان و آفرینندگان هنری" تماس گرفته و از آن‌ها خواسته است که در ارتباط با حکم زندان و وضعیت خانم آهنگرانی با مقام‌های ایران تماس بگیرند. ... به گفته معاون دبیرکل کودیر: "به نظر می‌آید که حکم ۱۸ ماه زندان تلاشی است برای ارباب و وادار به سکوت کردن جامعه هنرمندان ایران... اعمال فشار از سوی جنبش اتحادیه‌ای در بریتانیا و جهان برای لغو حکم زندان حیاتی است." در نخستین واکنش، "اتحادیه رادیو تلویزیون..." بریتانیا بیانیه "کودیر" در محکومیت حکم زندان پگاه آهنگرانی را در سایت رسمی خود منتشر کرد، اوئن تودور، مسئول امور بین‌المللی "کنگره اتحادیه های کارگری بریتانیا" (TUC) حمایت کنگره اتحادیه ها را از این بیانیه اعلام کرد، و روزنامه چپ‌گرای انگلیسی زبان "مورنینگ استار" نیز خبر ناگوار محکومیت ناعادلانه این بازیگر ایرانی را درج کرد.

در عرصه دفاع از فعالیت آزادانه کارگری و حقوق فعالان کارگری نیز "کودیر" با بازتاب دادن نامه خانواده رضا شهبایی، عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوس‌رانی، به کارزار بین‌المللی خود برای آزادی کارگران زندانی، از جمله رضا شهبایی، ادامه داده است. تنها "جرم" رضا شهبایی فعالیت شجاعانه و خستگی‌ناپذیر او در دفاع از حقوق همکاران خود برای فعالیت سندیکایی مستقل و تأمین شرایط زندگی مناسب برای آنان است. وضعیت تندرستی رضا شهبایی پس از سه سال و نیم حبس در زندان منفور اوین به شدت وخیم شده است و به مراقبت‌های پزشکی فوری نیاز دارد. خانم ربابه رضایی، همسر، و محمد امین و شیرین، فرزندان رضا شهبایی، در نامه سرگشاده‌ی که هفته پیش منتشر کردند، با اشاره به امکان فلج شدن او در زندان، آزادی فوری این کارگر زندانی را خواستار شدند. در این نامه-پس از توضیح جزئیات دشواری‌های حاد جسمانی رضا شهبایی- آمده است: "ما خانواده رضا شهبایی اعلام می‌کنیم که بنا بر اعلام پزشکان معالج، رضا به هیچ‌وجه توان تحمل زندان را ندارد و باید به سرعت از زندان آزاد شود. ما مسئولان قضایی و امنیتی را مسئول شرایط بسیار وخیم وی می‌دانیم و از تمامی تشکل‌ها و فعالان کارگری ایران و جهان می‌خواهیم که اکنون نیز چون دفعات پیشین به هر شکل ممکن اعتراض خود را به تداوم حبس این کارگر زندانی اعلام کنند."

این بیانیه با حمایت اتحادیه کارگران حمل و نقل بریتانیا (آر. ام. تی) رو به رو شد و این اتحادیه در فراخوانی به فدراسیون بین‌المللی سندیکای کارگران حمل و نقل خواستار اقدام عاجل آنها در این زمینه شد. در پی این فراخوان فدراسیون بین‌المللی سندیکای کارگران حمل و نقل نامه اعتراضی را به دولت روحانی ارسال داشت. پیش از این نیز کودیر کارزار بین‌المللی گسترده‌ی را برای آزادی فعالان کارگری زندانی به راه انداخته بود، از جمله فراخوانی که در مردادماه امسال برای آزادی رضا شهبایی و علی نجاتی منتشر کرد که از سوی چندین اتحادیه بزرگ بریتانیا و قبرس و نیز سازمان عفو بین‌الملل پشتیبانی و دنبال شد. در آن فراخوان، که هم‌زمان با دعوت حسن روحانی از شخصیت‌های بین‌المللی برای حضور در مراسم ادای سوگند ریاست جمهوری‌اش داده شده بود، از رئیس‌جمهوری تازه ایران خواسته شده بود که به حقوق سندیکایی و حقوق بشر و تعهدهای بین‌المللی ایران احترام بگذارد، و ضمن آزاد کردن فوری و بی‌قید و شرط فعالان سندیکایی زندانی و رفع اتهام از آنان، با امضای مقاوله‌نامه‌های بنیادی بین‌المللی کار، آزادی تشکیل و فعالیت سندیکاهای مستقل را تأمین کند. متن فارسی این فراخوان در نشریه "پیام سندیکا"،

ادامه در صفحه ۱۰

آزادی بیان، آزادی فعالیت اتحادیه‌های صنفی و سندیکاهای کارگری مستقل، و نیز آزادی فعالیت سیاسی در ایران، دهه‌هاست که در دستور کار تلاش‌های نیروهای آزادی‌خواه ایران قرار دارد. پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ امیدهای زیادی در این زمینه به‌وجود آمد، و برای دست یافتن به این آزادی‌ها تلاش‌های زیادی صورت گرفت. اما باید گفت که امروز، یعنی ۳۵ سال پس از آن روزها، نه تنها آزادی‌های دموکراتیک و اجتماعی در ایران نهادینه نشده‌اند، بلکه با همه روزنه‌های امید که در برهه‌هایی پدید آمد، این آزادی‌ها به‌طور سازمان‌یافته‌ی سرکوب شده‌اند، و فعالانی نیز که صمیمانه در راه برقراری این آزادی‌های بنیادی اجتماعی کوشیده‌اند، در معرض فشارها و سختی‌های فراوانی قرار گرفته‌اند، که از مانع‌تراشی در انجام کار حرفه‌ای یا اخراج از کار یا دستگیری و محکوم کردن به زندان‌های طولانی‌مدت و شکنجه و حتی اعدام را در بر گرفته است. با وجود این، تلاش‌ها متوقف نشده‌اند، چون خواست‌های مطرح شده، خواست‌هایی برآمده از بطن جامعه و بر پایه نیازهای واقعی قشرها و طبقه‌های اجتماعی گوناگون جامعه‌اند. در پی انتخابات ریاست جمهوری اخیر در خرداد ماه امسال، دولت حسن روحانی، رئیس‌جمهوری جدید، دولتی با عنوان "اعتدال‌گرا" و شعار "تدبیر و امید" بر سر کار آمد که برای بهبود اوضاع تیره و تار داخلی و خارجی کشور وعده‌هایی به مردم داد. اما به‌رغم حرکت‌ها و گفت‌وگوهایی که تا کنون در سیاست خارجی و با شعار به‌اصطلاح "نرمش قهرمانانه" برای تنش‌زدایی بر سر مسئله هسته‌ای و عادی‌سازی روابط با کشورهای دیگر و لغو تحریم‌های اقتصادی فاجعه‌بار تحمیل شده بر ایران، صورت گرفته است- که در جای خود مفید است- اما همان‌طور که آقای مصطفی تاجزاده در یکی از نوشته‌های اخیرش متذکر شده بود: "... قرار است در سطح بین‌المللی بازی برد- برد درپیش گرفته شود، اما در عرصه داخلی همچنان بازی برد- باخت حاکم بماند. "نرمش قهرمانانه" در روابط خارجی یعنی تلاش برای لغو تحریم‌ها و تهدیدها، ولی در داخل به مفهوم تداوم حبس‌ها و حصرها خواهد بود. به بیان دیگر، سیاست خارجی قلمرو لبخند و گفت‌وگو خواهد شد، اما با معترضان داخلی با همان چهره و زبان و ادبیات عبوس و آمرانه و تهمت‌آلود سخن گفته خواهد شد. ... " و در این زمینه نمونه‌ها کم نیستند.

از تازه‌ترین نمونه‌های این گونه برخورد، محکومیت اخیر پگاه آهنگرانی، هنرمند و بازیگر ۲۴ ساله سینمای ایران است که به جرم "اقدام علیه امنیت ملی و ارتباط با رسانه‌های خارجی" به ۱۸ ماه حبس تعزیری محکوم شده است. در پی پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری خرداد ماه، پگاه آهنگرانی که در مقام سخنران در همایش ستادهای انتخاباتی حسن روحانی شرکت کرده بود، خطاب به رئیس‌جمهوری تازه چنین گفته بود: "لطفاً برای وزارت کشاورزی کسی را که از کشاورزی سر رشته دارد انتخاب کنید... یا برای وزارت ارشاد از کسی که شأن و حرمت هنر و هنرمند را درک می‌کند، استفاده کنید. یعنی کسی که بتواند شعرهای شما را در عرصه هنر و فرهنگ و آزادی بیان و اندیشه که به شکوفایی هنر می‌انجامد عملی سازد." فعالیت‌های اجتماعی پگاه آهنگرانی، که فقط یک نمونه از هنرمندان روشن بین و مردم‌دوست ایران است، همیشه محدودیت‌ها و دشواری‌هایی برای او به‌بار آورده است. او در جریان رخدادهای انتخاباتی تقابل‌آمیز ۸۸ دو بار بازداشت و سپس بدون اعلام هیچ اتهامی آزاد شده بود. پگاه آهنگرانی قریب به سه سال است که از طرف دادسرای امنیت

ادامه تلاش نیروهای ترقی خواه ...

نا گفته های کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ در سخنرانی رفیق دکتر ماشالله ورقا در اتریش به مناسبت شصتمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد



دکتر ماشالله ورقا، رئیس وقت دایره اطلاعات و مراقبت شهرانی کل کشور و از افسران عضو سازمان نظامی حزب توده ایران به مناسبت شصتمین (شصتمین) سالگرد کودتای خونین ۲۸ مرداد در روز ۱۳ اکتبر در شهر وین، پایتخت اتریش به ایراد سخنرانی پرداخت. او که به سبب داشتن سمت بسیار حساس در شهرانی، مستقیماً با رفیق شهید خسرو روزبه، مسئول سازمان نظامی حزب در ارتباط و از نزدیک شاهد رخدادهای پیش و پس از کودتای ۲۸ مرداد بوده و در همین زمینه نیز چندین جلد کتاب ماندگار تاریخی نوشته است، در یک سخنرانی به یادماندنی در وین از مشاهدات و تحقیقاتش پیرامون این کودتا سخن گفت و به پرسشهای مطرح شده پاسخ داد.

رفیق ورقا برای آن که شنوندگان هر چه بهتر شرایط آن روز ایران را درک کنند از سالها پیش از کودتا آغاز کرد، از پا گرفتن استبداد رضا شاهی و جنایاتی که برخی فرماندهان ارتش آن روز در رویارویی با مبارزین انجام می دادند و سپس به معرفی برخی شخصیت‌های سیاسی درجه اول آن روز ایران که بر روند رویدادهای سیاسی کشور تأثیر مستقیم داشتند پرداخت.

رفیق ورقا ژرفای دخالت کشورهای امپریالیستی انگلیس و آمریکا در امور داخلی ایران را بر اساس اسناد افشا شده در این رابطه به شکلی عینی و ملموس تشریح کرد و سیستماتیک روند شکل گیری کودتا را توضیح داد. در این رابطه رفیق ورقا از مشاهدات خود و همچنین از اطلاعاتی که کارآگاهان شهرانی در روزهای پیش از کودتا و در روز ۲۸ مرداد از سطح شهر تهران به او می دادند سخن گفت و از پیروزی کودتاگران و پیامدهای شوم آن و دستگیری‌های گسترده پس از آن، رفیق ورقا از جمله اظهار داشت که اگر پست های دکتر غلامحسین صدیقی وزیر کشور و شهید دکتر حسین فاطمی وزیر امور خارجه ی دولت ملی دکتر محمد مصدق با هم جا به جا می شدند شاید کودتای خونین ۳۲ هرگز رخ نمی داد و یا نمی توانست پیروز شود. دکتر ورقا در رمز گشایی از این تحلیل پر اهمیت تاریخی از جمله به دلبری و از جان گذشتگی دکتر حسین فاطمی اشاره کرد و گفت که وی می توانست با چنین کارا کترتی به عنوان وزیر کشور چرخ دنده های بی رحم کودتا را در هم شکند.

وی همچنین دکتر غلامحسین صدیقی را شخصیتی محافظه کار و نرمش پذیر برشمرد که می توانست به عنوان وزیر امور خارجه در گفت و گو با سفیران و نمایندگان خارجی، واکنش های آرام و صلح جویانه دیپلماتیک از خود نشان دهد و بر تصمیم آنان در برنامه ریزی کودتا تأثیر بازدارنده بگذارد.

سخنرانی رفیق ورقا در کنار بیان نا گفته های دست اول بسیار از کودتای ۲۸ مرداد، همچنین بیانگر روحیه و ذهنیت انسانی و ژرف نگر سخنران نیز بود.

شماره ۲۱ شهریورماه ۹۲، نیز منتشر شد. با وجود همه تنگناهایی که در ایران برای فعالیت سندیکایی وجود دارد، فعالان کارگری پیگیرانه دفاع از حقوق کارگران را ادامه می دهند. یکی از نمونه های اخیر چنین فعالیت، به پیش بردن طرح دوفوریتی تعیین تکلیف کارگران و کارکنانی است که ده سال و کمتر حق بیمه پرداخت کرده اند. "سندیکای کارگران فلزکار مکانیک و مکانیک" همراه با هیئت بازگشایی سندیکایی کارگران نقاش و تزیینات، در اطلاعیه یی که در این زمینه منتشر کردند، خبر دادند که با تصویب طرح مذکور "کارگران کم سابقه می توانند با پرداخت پول به سازمان تأمین اجتماعی و خرید کسر سابقه بیمه تا ۱۰ سال سابقه پرداخت بیمه، از مزایای بازنشستگی با دریافت ۱۰ روز مستمری و دسترسی رایگان به خدمات درمانی بهره مند شوند." این طرح پیش از این از سوی شورای نگهبان رد شده بود که پس از ارسال طوماری اعتراضی که از سوی ۷۴۴ کارگر امضا شده بود و در بردارنده شماره تلفن های ۳۲ تن از کارگران فلزکار و مکانیک بود، مجدداً در دستور کار کمیسیون اجتماعی مجلس قرار گرفت، و در نهایت به تأیید شورای نگهبان هم رسید.

در ادامه فعالیت های برون مرزی در دفاع از حقوق مردم ایران، نماینده کودیر، به دعوت اتحادیه کارگری روزنامه نگاران، در نشست مجلس عوام بریتانیا شرکت کرد و به افشاکاری در ارتباط با وضعیت روزنامه نگاران در ایران و اقدام های سرکوب گرانه رژیم در این عرصه پرداخت. بر اساس بیانیه کودیر، که روز ۱۱ آبان ماه منتشر شده این نشست از سوی "فدراسیون جهانی روزنامه نگاران" - و در ادامه فعالیت های این فدراسیون در چارچوب کارزار "آزادی روزنامه نگاران ایرانی" و مسئله محدودیت آزادی بیان در ایران - سازماندهی شده بود. در این نشست [مجلس عوام بریتانیا]، ادامه بازداشت و برخورد سرکوبگرانه با سندیکالیست های ایران نیز مورد بحث و گفت و گو قرار گرفت، یعنی برخوردهایی که به طور کامل برخلاف ادعاهای دولت "اعتدال گرای" حسن روحانی است. نشست مجلس عوام بریتانیا همچنین درباره بازگشایی دفتر "انجمن صنفی روزنامه نگاران" پس از چهار سال تعطیلی و همچنین آزادی روزنامه نگاران زندانی گفت و گو کرد. این دو موضوع از سوی فدراسیون جهانی روزنامه نگاران و به نیابت از انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران در این نشست مطرح شده بود. گفتنی است که، از سال ۱۳۸۸ تا کنون، بیش از ۱۶۰ روزنامه نگار زندانی یا مجبور به ترک وطن شده اند، و بیش از ۳۰ نشریه ممنوع الا انتشار شده اند. در حال حاضر در حدود ۲۰ روزنامه نگار همچنان در زندان به سر می برند که پناهم معمول، اتهام شان "اقدام علیه امنیت ملی است". اخیراً مدت زندان سه تن از این زندانیان به سر آمد که از زندان آزاد شدند. آقایان رجایی و مقیسه، که از اعضای هیئت مدیره انجمن صنفی روزنامه نگاران اند، همچنین در زندان به سر می برند، و خانم بدرالسادات مفیدی و ماشاءالله شمس الواعظین، به ترتیب دبیر و نایب رئیس انجمن، به قید ضمانت آزاد و منتظر نتیجه فرجام خواهی خودند.

همان طور که در بیانیه ۱۱ آبان ماه کودیر تأکید شده است، هنوز در ایران شمار زیادی صرفاً به علت دفاع از حقوق بشر، حقوق زنان، و حقوق سندیکایی پشت میله های زندان به سر می برند. سازمان های آزادی خواه ایران و جهان، از جمله حزب توده ایران و کودیر، در عمل به تعهد خود به دفاع از زندانیان عقیدتی و سیاسی وفادارند و به هر وسیله ممکن صدای اعتراض زندانیان ایران را به گوش جهانیان می رسانند.

تلاش در این راه و جلب همبستگی نیروهای ترقی خواه جهان برای ایراد فشار بر حکومت ایران و حمایت از آزادی زندانیان سیاسی، آزادی بیان، و آزادی فعالیت های صنفی و سندیکایی، وظیفه همه نیروهای مترقی ایران است.



برد. بوفه شام خوراک های رنگین ایرانی، که به همت چند تن از هواداران حزب تهیه شده بود، نیز دیدنی بود. دوستان و رفقا پس از صرف شام به برنامه زیبای جاز یک گروه هنری اتریشی گوش فرا دادند. پس از آن نوبت موسیقی شاد ایرانی و پایکوبی بود که شور و نشاطی دیگر را به فضای جشن به ارمغان آورد. برنامه جشن هفتاد و دومین سالگرد بنیادگذاری حزبمان در اتریش با بریدن کیک تولد حزب در محیطی صمیمی، سرود خوان تا پاسی از شب ادامه داشت.

ادامه خواست های مردم ...

می کنند که، برنامه های مورد تایید بانک جهانی و صندوق بین المللی پول باشد و دقت بیشتری اجرا شوند و هدفمندی یارانه ها سایر عرصه ها به ویژه آزادسازی دستمزدها و حذف مقررات را نیز دربر گرفته و پیاده شود. بی دلیل نبود که رییس شورای رقابت، که او نیز از طراحان قانون هدفمندی یارانه ها و نیز از مدافعان سینه چاک صندوق بین المللی پول به شمار می آید، ضمن تایید برنامه های اقتصادی دولت، خصوصی سازی سریع را راه حل بحران معرفی می سازد. خبرگزاری مهر، ۲۲ مهرماه، اعلام داشت: "رییس کل بانک مرکزی در جلسه روسای بانک مرکزی و وزاری اقتصاد کشورهای خاورمیانه و آفریقای شمالی خواستار گسترش همکاری های ایران و صندوق بین المللی پول شد... مدیرعامل صندوق بین المللی پول در این جلسه حضور داشت. در این نشست همچنین اجرای تحسین آمیز طرح هدفمندی یارانه ها که در گزارش آن نهاد نیز مورد اشاره قرار گرفته است، مورد توجه قرار گرفت." دولت روحانی در عین حال اعلام کرده است که، درصدد جلب سرمایه گذاری شرکت های بیمه خارجی در ایران است و اجرای ابلاغیه اصل ۴۴ را باهدف گسترش خصوصی سازی در اولویت قرار داده است. تصویب لایحه نظام کارآفرینی [بخوان: حمایت از کلان سرمایه داران] نیز در دستور کار دولت است. اعزاز هیئتی از سوی صندوق بین المللی پول به ایران برای گفتگو با مقام های ارشد رژیم و ولایت فقیه، به طور کامل در راستای راهبرد اقتصادی مورد پذیرش دولت انجام می پذیرد. معاون وزیر اقتصاد، همزمان با اعلام خبر سفر قریب الوقوع هیئت بلندپایه صندوق بین المللی به کشور، یادآوری کرد که، در تابستان امسال در راستای تقویت بخش خصوصی بیش از ۵۲۷ میلیارد ریال سهم دولتی به بخش خصوصی واگذار شد.

با چنین رویکردهایی در زمینه های اقتصادی- اجتماعی، نه تنها منافع توده های محروم جامعه تامین نخواهد شد، بلکه خواست تغییر که در انتخابات گذشته ریاست جمهوری از سوی مردم به حاکمیت تحمیل گردید، در راستای مطالبه های مردم میهن ما به ویژه توده های محروم قرار نخواهد گرفت. باید توجه داشت که، میان تغییر و تحول در فضای سیاسی با تحول در روابط اقتصادی، پیوندی متقابل وجود دارد. هرگونه تحول باید خواست توده های محروم جامعه را بازتاب دهد، در غیر این صورت تنها در چارچوب تنگ منافع کلان سرمایه داری و لایه های انگلی محدود خواهد ماند. مبارزه برای تحمیل خواست ها و نیازهای جنبش مردمی- خواست های هر مرحله با توجه به ویژگی و مختصه های مرحله ای- اولویت انکارناپذیری است که باید همواره مورد توجه قرار گیرد.

بزرگداشت هفتاد و دو سال پیکار حماسی حزب توده ایران در اتریش

جشن هفتاد و دومین سالگرد بنیادگذاری حزبمان در اتریش در روز شنبه ۱۲ اکتبر با شرکت ده ها تن از هم میهنان ایرانی و همچنین مهمانان خارجی در شهر وین برگزار گردید. جشن بنیادگذاری حزب همواره حتی در سالهای پس از یورش به حزب نیز هر ساله در وین برگزار می شد، اما امسال برای سومین سال متوالی بنیادگذاری حزب به شکل باز و گسترده در اتریش جشن گرفته شد و استقبالی که از آن به عمل آمد بار دیگر نشان داد که حزب توده ها، سیامک ها، علی امیدها، روزبه ها، فاطمه مدرسی ها، هاتفی ها و باقرزاده ها، را می توان غیرعلنی و سرکوب کرد، اما اندیشه ها و آرمان های این حزب را نمی توان به بند کشید. حزب توده ایران باز هم زنده و فعال، به عنوان یکی از سازمان یافته ترین و منسجم ترین نیروهای سیاسی چپ میهن، نقشی مهم در پیکار با رژیم جمهوری اسلامی ایفا می کند. سالن جشن با شعارهای گوناگون تزئین شده بود. برپیشانی سالن نوشته شده بود: "فرخنده باد هفتاد و دومین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران" و "حزب توده ایران برای صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی". در اطراف سالن شعارهایی برای آزادی زندانیان سیاسی به فارسی و آلمانی به چشم می خورد. عکس هایی از رفقا حیدرعمواوغلی، تقی ارانی، خسرو روزبه و فاطمه مدرسی و همچنین پوسترهایی از رفقای جانباخته حزب در بخش ورودی سالن نصب شده بودند. رفقای از راه های دور خود را به شهر وین رسانده بودند تا در جشن بنیادگذاری حزبمان شرکت کنند. در میان مهمانان شرکت کننده در جشن دوستانی با اندیشه های دیگر نیز دیده می شدند.

جشن با نواختن سرود حزب و به پا خواستن یکسره شرکت کنندگان آغاز شد. پس از آن مجری برنامه در سخنرانی کوتاه خود به فارسی و آلمانی از جمله به مهمانان خوش آمد گفت و پس از اعلام برنامه از مهمانان درخواست کرد تا به یاد تمامی جانباختگان حزب و تمامی جانباختگان راه استقلال، آزادی، صلح و عدالت اجتماعی در ایران برای یک دقیقه سکوت، بپایینند. سپس یکی از رفقای پیش کسوت حزبی به سخنرانی پرداخت و در سخنرانی خود فرازهایی از اعلامیه کمیته مرکزی حزب به مناسبت هفتاد و دومین سالگرد بنیادگذاری حزب را قرائت کرد.

پس از آن سخنران مهمان رفیق دکتر ماشالله ورقا رییس دایره اطلاعات و امنیت شهرداری کل کشور در زمان دولت ملی دکتر محمد مصدق پشت تریبون قرار گرفت. رفیق ورقا در سخنرانی ۲۰ دقیقه ای گیرا و شیرین خود از یادمانده هایش در گذر زمان و از فعالیت هایش در حزب سخن گفت. از جمله گفت که او چند سال پس از تاسیس حزب در سال ۱۳۳۹ به عضویت آن درآمده است اما با بنیادگذاران و رهبران حزب از نزدیک آشنا بوده و دوستی داشته است. او از برنامه های مصوب کنگره نخست و دوم حزب سخن گفت و خاطرنشان ساخت: "پس از ترور نافرجام شاه در دانشگاه تهران، حزب توده ایران را بی هیچ بررسی و پژوهشی از امروز به فردا منتحل و رهبران آن را بلافاصله و بدون در دست داشتن هیچ گونه سندی دستگیر و روانه زندان کردند که این کاری به غایت غیر قانونی بود. با این همه، ترغند انحلال به نابودی حزب نینجامید و دلیل ساده آن هم این که من امروز پس از گذشت ۶۵ سال از اعلام انحلال حزب در این مراسم پرشور و کم مانند، شاهد کارکرد گسترده و همه جانبه حزب هستم و این بسیار امیدوار کننده است."

در ادامه برنامه، یکی از دوستان به دکلمه چند شعر پرداخت. پس از آن نماینده حزب کمونیست عراق پیام مشترک حزب کمونیست عراق و حزب کمونیست کردستان عراق در اتریش را به فارسی قرائت کرد که مورد استقبال حاضران قرار گرفت. در این پیام او با ستایش از کارزارهای تاریخی و خونبار حزب توده ایران از جمله گفت: "ما همچنین با افتخار از پیوند ها و رابطه های ویژه میان حزب ما و حزب شما یاد می کنیم که در دهه های گذشته و در شرایطی که هر دو حزب در معرض سرکوب و ترور رژیم های دیکتاتوری و ضد کمونیست و ارتجاعی در تهران و بغداد قرار داشته اند، مستحکم تر از پیش شده است." پس از آن برنامه با اجرای چند ترانه با صدای زیبا و دلنشین یکی از هنرمندان ایرانی محبوب کشور اتریش به همراهی گیتار ادامه پیدا کرد که با استقبال حاضرین روبرو شد. ترانه "مرا بوس" چشمهای بسیاری را نمناک ساخت و گروه آمدگان را به رویاها

بیکاری: پدیده‌ی نوظهور، یا معضل دیرپای سیاست‌های حاکم؟

اعلام دوباره و رسمی نرخ بیکاری از سوی رئیس کل مرکز آمار ایران، بار دیگر بدهای آشکار و نهان این معضل نگران‌کننده را بیش از پیش برملا کرد. عادل آذر، با اشاره به نرخ بیکاری ۲۶ درصدی جوانان، اعلام کرد که، این بدان معنا است که از نظر نرخ بیکاری در منطقه بحران‌زا قرار داریم. به گزارش مهر، ۳ آبان ماه، وی نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ سال را نزدیک به ۲۶ درصد - که رقم بسیار بالایی است - اعلام داشت و گفت: "بر اساس یک نرمی که همواره مد نظر است اگر نرخ بیکاری جوانان ۲ برابر نرخ بیکاری کل که همان ۱۲/۲ درصد است باشد به معنای این است که در منطقه بحران‌زا از نظر نرخ بیکاری قرار گرفته‌ایم." عادل آذر نرخ بیکاری جوانان در استان لرستان را بالای ۵۰ درصد اعلام کرد. اعلام جدید رئیس مرکز آمار تعجب هیچ‌کس را برنیاغیخت، چون معضل بیکاری، به‌خصوص در بین جوانان، در طول سال‌های اخیر، برغم تمامی استتارهایی که صورت گرفت، در منظر افکار عمومی آشکار و لمس‌شدنی بود. آن چیزی که در بیابان مقام‌های رسمی تغییر کرده است، ارایه آماری است که با واقعیت‌های موجود تقریباً همخوانی دارد. نکته تامل‌برانگیز در ارایه این آمار انداختن بار مسئولیت این معضل بر دوش احمدی‌نژاد است. ما در اینجا در صدد پرداختن به بررسی دوباره این آمار نیستیم، چرا که درباره این مهم بارها بررسی شده است و مطلب‌هایی در این خصوص منتشر شده و همگان از آن اطلاع دارند و بازگویی آن‌ها لازم به‌نظر نمی‌رسد. پایگاه تحلیلی-خبری فردا، ۸ تیرماه، در گزارشی به نقل از خبرگزاری مهر، می‌نویسد: "با وجود ادعای دولت در ۸ سال گذشته مبنی بر ریشه کنی بیکاری، آمارها نشان می‌دهد نه تنها از تعداد بیکاران کم نشده بلکه در فاصله سال‌های ۸۴ تا ۹۱ حدود ۲۷۰ هزار نفر دیگر به صف ۳ میلیون بیکار پیوسته‌اند و به دلیل پایین بودن سطح دستمزدها ۶ میلیون مشمول قانون کار امروز فقط حداقل دستمزد را دریافت می‌کنند." در ادامه این گزارش، جدول نرخ بیکاری بین سال‌های ۸۴ تا ۹۱ را نیز آورده شده که در آن نرخ بیکاری از ۵/۱۰ درصد تا ۲/۱۲ درصد در نوسان بوده است.

خبرگزاری تسنیم، ۲۸ خردادماه، در گزارشی با عنوان: "شروع دولت جدید با بیکاری ۲/۱۲ درصد"، نوشت: "نگاهی به بازار کار و عملکرد دولت طی هشت سال اخیر، بیانگر نوسان نرخ بیکاری طی این مدت است و در حالی که هیچ دولتی نتوانست نرخ بیکاری را تک‌رقمی کند، باید دید دولت روحانی چه برنامه‌ای برای وعده تک‌رقمی شدن بیکاری فعلی دارد." گزارش تسنیم نیز آمار نرخ بیکاری رسمی از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۱ را دربر دارد، که بنابر آن، نرخ بیکاری در این مدت بین ۱۰ تا ۱۴ درصد در نوسان بوده است. نرخ بیکاری بین سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ تا ۱۴ درصد نیز اعلام شده است. در این دوره [۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰] که محمد خاتمی رئیس‌جمهوری بود و مناسبات ایران با کشورهای غربی هم بسیار خوب بود، نرخ بیکاری اما حتی از دوران کنونی نیز بالاتر بوده است. در چهار سال دوم ریاست جمهوری محمد خاتمی، ما کاهش نرخ بیکاری را شاهدیم، اما این کاهش در سال ۱۳۸۴ - بنا بر اعلام‌های رسمی - ۵/۱۱ درصد بوده است. تفاوت نرخ بیکاری در آن زمان با نرخ فعلی کمی بیش از نیم درصد است. هدف ما از مقایسه این آمار این است که نشان دهیم معضل بیکاری، به‌خصوص در بین جوانان، در وضعیت اقتصادی به‌وجودآمده بر اثر تحریم‌های اقتصادی ریشه ندارد، بلکه در سیاست‌هایی ریشه دارد که بر اساس رویکردهای نولیبرالیستی در اقتصاد درپیش گرفته شده‌اند، سیاست‌هایی که از زمان هاشمی رفسنجانی شروع شد و بدون وقفه و با سرعت‌های متفاوت ادامه یافته است. سؤال اصلی ما این است که، با توجه به آمارهای اعلام شده تائکونوی و همچنین گفته‌های مقام‌های رسمی در هفته گذشته چه اتفاق جدیدی افتاده است که حساسیت افکار عمومی را به این حد برانگیخته است؟ مقام‌های رسمی و کنگسگران سیاسی در واکنش به گفته‌های هفته گذشته در رابطه با نرخ بیکاری، این برداشت را در اذهان عمومی می‌پروراندند که گویی با پدیده‌ی جدید در عرصه اقتصادی روبه‌رو شده‌ایم. بنابر گزارش خبرگزاری تسنیم و دیگر گزارش‌های انتشار یافته تائکونوی خلاف این را اثبات می‌کنند، و همین نکته است که باید توجه نیروهای مترقی و طرفدار مردم را برانگیزد. برای موشکافی بیشتر در بدهای این قضیه، به گزارش

بانک جهانی استناد می‌کنیم. بنا به گزارش شرق، ۸ آبان ماه، رتبه بندی ایران در رتبه جهانی فضای کسب و کار در سال جاری نسبت به سال ۸۴، ۴۴ پله سقوط کرده است. ایران در سال ۲۰۰۵ رتبه ۱۰۵، در سال ۲۰۰۶ رتبه ۱۱۳، و در سال ۲۰۰۷ رتبه ۱۱۹ را داشته است. بر اساس گزارش بانک جهانی، ایران در سال ۲۰۱۲ رتبه ۱۵۲ را داشته است. اجرای سیاست‌های مخرب و همسو با بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، اجرای طرح ضد مردمی حذف یارانه‌ها در جهت نفع جناح‌های انگلیسی‌رژیم، و محصل این رتبه بندی و اعلام آن از سوی ارگانی بین‌المللی - که به گواهی سندها و گزارش‌های منتشر شده در رسانه‌ها - در طول تمامی این سال‌ها از اقدام‌های دولت احمدی‌نژاد تمجید و تحسین کرده است، سؤال‌های بسیاری به ذهن متبادر می‌کند. در سال ۲۰۰۷ تحریم‌های اقتصادی‌ای نبود اما درآمدهای نجومی نفت بود. همزمان با این درآمدهای نجومی، ما کاهش هر چه بیشتر فرصت‌های شغلی را شاهد بودیم. در طول هشت سال دولت احمدی‌نژاد - که از سوی سرکوب‌گران حاکم حمایت می‌شد - میهن ما فرصت تاریخی‌ای بی سابقه ناشی از درآمدهای نفتی پیش رو داشت. اجرای سیاست‌های اقتصادی ضد مردمی به‌همراه فساد گسترده دولت‌مردان، فاجعه‌هایی را در زندگی زحمتکشان میهن به‌وجود آورده است که دامنه اثرهای آن‌ها تاکنون به‌طور کامل آشکار نشده‌اند. روزنامه آرمان، ۱۳ خردادماه، سخنان احمدی‌نژاد در آخرین چهارشنبه سال ۹۰ در مجلس را انتشار داده است که در آن می‌گوید: "گفته‌اند که آیا با این عدها می‌توان اینقدر شغل ایجاد کرد. بله، چرا نمی‌شود؟ این گزارش رسمی بانک مرکزی و مرکز آمار است. در سال ۸۹ بانک مرکزی می‌گوید آمار رشد اقتصادی ما ۶/۱ درصد است و مرکز آمار هم می‌گوید ۷/۳ درصد. چرا نمی‌شود یک میلیون و ۶۰۰ هزار شغل درست کرد. اگر شما و همه همت کنید، می‌شود و حتی بیشتر از این تعداد هم می‌شود. تقریباً همه تولید اساسی کشور در سال ۹۰ رشد قابل توجهی پیدا کرده است، بنا بر پیش‌بینی‌های اولیه مرکز آمار بانک مرکزی رشد اقتصادی سال ۹۰ اگر بیشتر از سال ۸۹ نباشد کمتر از آن هم نیست." از هنگامی که ریاست جمهوری احمدی‌نژاد خاتمه یافته و کار دولت روحانی شروع گردیده است، چندین ماه می‌گذرد. ابعاد دروغ‌گویی‌های احمدی‌نژاد و همفکرانش نزد مردم روشن بود، اما با ارایه آمارهای واقعی مشخص می‌گردد که چه خسارت‌های بزرگی بر مردم و میهن ما وارد آمده است. نکته مورد نظر ما در باز کردن این بحث تأکید بر دقیقاً همین موضوع است. دروغ و اطلاعات جعلی و خلاف واقع درباره امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی میهن به‌خورد مردم و جامعه دادن، مختص دولت احمدی‌نژاد نبود، بلکه جزئی جدایی‌ناپذیر از واقعیت رژیم ولایت فقیه است. با روی کار آمدن جناح‌های حکومتی در مقطع‌های گوناگون، مداحان قلم به‌دست و کارگزاران این جناح‌ها، همین شیوه را به شکل‌های متفاوت و به‌طوروقیحانه به‌کار می‌زنند، و در این راه از هیچ دروغ‌گویی‌ای هم ابا ندارند. سعید لیلانز، در گفت‌وگو با سایت فرارو، ۱ مهرماه، می‌گوید: "تحولاتی که در اقتصاد ایران روی می‌دهد فراتر از انتظارات بوده است. با وجود اینکه تنها چهل روز از استقرار دولت جدید می‌گذرد، مساله دارو به‌طورکلی حل شده است... بین بیست تا بیست و پنج درصد بر قدرت خرید اقشار مختلف افزوده شده است... در حال حاضر قدرت خرید کشاورزان، کارگران و اقشار ضعیف نسبت به یک ماه گذشته بین ۲۰ تا ۲۵ درصد افزایش یافته است... اگر این کاهش قیمت دلار که در بازار اتفاق افتاده است تداوم پیدا کند، شما شاهد افت شدید قیمت‌ها در بازار خواهید بود... عملاً روزهای خوب اقتصاد ایران از نیمه شهریور به این سو شروع شده است." گویی در پاسخ به دروغ‌گویی‌های سعید لیلانز، پیر صالحی، مدیر کل نظارت بر داروی وزارت بهداشت، در گفت‌وگو با ایسنا، ۵ آبان ماه، اعلام کرد که، برای رفع کمبودهای دارویی از دو ماه آینده برنامه‌های جامعی داریم. درحالی که سعید لیلانز پیشاپیش مشکل دارو را حل کرده بود، مقام رسمی در وزارت بهداشت اعلام می‌کند که: برای رفع کمبودهای دارویی از ماه آینده برنامه جامعی خواهند داشت! و این بدان معنی است که مشکل هنوز وجود دارد. در مورد قدرت خرید زحمتکشان، خبرگزاری مهر، ۸ آبان ماه، جدول متوسط قیمت خرده‌فروشی برخی مواد خوراکی در تهران را انتشار داد که از افزایش ۱۸ تا ۸۸ درصد این مواد در طول یک سال گذشته حکایت می‌کند. به علاوه، گزارش‌های منتشر شده اخیر نیز نشان می‌دهند که نرخ تورم مرز ۴۰ درصد را درنوردیده است. در مورد کاهش نرخ ارز، خبرگزاری مهر، ۹ مهر ماه، از "کارت زرد دولت‌مردان به سیف"، خبر داد. بنابر همین



دلایل واقعی مهاجرت آنان به راستی که بودند؟

بین صدها کشته در "لمپدوسا" کودکی هم بود گمنام. لحظه‌یی به او فکر کنید. البته این کودک، یکی از نخستین و مهم‌ترین تلف‌شدگان اقدام‌های تبهکارانه‌ای است که در نهایت به این کشتار همگانی منجر شد. اما ما هم به‌شکلی قربانی این حادثه‌ایم. هیچ‌کس نمی‌داند که این کودک در بزرگسالی چه کسی می‌شد؟ هیچ‌کس نمی‌داند که همراه با آنانی که از این کشتی نامناسب برای سفر دریایی به قبرهای شان سرازیر شدند چه استعدادهایی از بین رفت؟

آنان می‌توانستند پزشک، دانشمند، شاعر، کارگری مبارز، کسانی باشند که ما را به خنده و یا گریه وادارند، و یا کسانی باشند که بتوانند ناخوشی‌های ما را شفا دهند، سرگرم‌مان دارند، و یا زندگی‌مان را آسوده‌تر و یا امن‌تر سازند؟ و یا فقط با ما دوست، همسایه، و یا شهروند باشند. واکنش‌های از سر دست‌پاچگی مقام‌های مسئول - پیش از اینکه همه جنازه‌ها پیدا شوند - شروع شد. "سیسیلیا مالمستروم"، مسئول امور داخلی اتحادیه اروپا، قول داد که برای افزایش شمار نیروهای گشتی فرانتکس ("سازمان مدیریت مرزهای اتحادیه اروپا" (در دریای مدیترانه، اقدام کند. او اصرار داشت که این اقدام نه به قصد راه ندادن مؤثرتر مهاجران آینده، بلکه برای جلوگیری از تلفات بیشتر است.

اما مسئول فرانتکس از فرماندهان سابق گارد نظامی مرزهای فنلاند و یکی از مسئولان ارشد پیشین پلیس اسپانیا است. وظیفه حقیقی این سازمان نه حفاظت از جان انسان‌ها، بلکه انجام وظیفه در مقام جبهه نخست در دفاع از اروپا است. این سازمان اخیراً یک گروه "ماموریت فن‌آور" به لیبی فرستاد. لیبی کشوری است که بسیاری از مهاجران، با وجود خطرات زیاد، برای رسیدن به اروپا باید از آن بگذرند، یعنی از یک کشور نقض‌کنندهٔ مداوم حقوق بشر، درگیر در جنگی داخلی، سرزمینی سرتاسر جهنم‌دوره، و همپای مناسب برای اتحادیه اروپای "دموکراتیک". مهاجران پس از اینکه سفر خود را در دریای مدیترانه آغاز می‌کنند، با خطر بیشتری روبه‌رو می‌شوند، و فرانتکس هیچ قدمی برای کاهش این خطر برنداشته است.

سال گذشته مجمع پارلمانی "شورای اروپا" لیست پیشنهادی خود را در این زمینه ارائه داد.

لازم است راهبردی ساده وجود داشته باشد تا اگر قایقی در مخاطره افتاد و به امدادسانی نیاز داشت، امدادسانی وظیفه‌یی بین‌المللی تلقی شود، و کوتاهی در چنین وظیفه‌یی هم محکومیت جنایی به‌دنبال داشته باشد. دلیل‌هایی که به‌سبب آن‌ها کشتی‌های دیگر کمک به درخطرافتادگان را خواستار نباشند - از جمله مسئله گرامت به قایق‌هایی که در وضعیت اضطراری قرار می‌گیرند - باید مورد توجه قرار گیرند. بر اساس مصوبه‌های سابق دادگاه حقوق بشر اروپا، پناهجویان نباید به کشورشان، که در آنجا ممکن است جان‌شان در معرض خطر قرار گیرد، بازگردانده شوند.

مسئله‌یی که در زمان روبه‌رو شدن با شرایط اضطراری ضرورت آشکار دارد وجود سامانه‌یی با مسئولیت مشترک است، تا برپایهٔ آن، کشورهای عضو اتحادیه اروپا و یا دیگران مجبور نباشند یک‌جانبه مسئولیت تمام مهاجرت‌های نامنظم را به‌عهده گیرند، و اجازه داشته باشند که قوانین و پیمان‌های بین‌المللی‌ای را که خود آزادانه تصویب کرده‌اند و یا مسئولیت انسانی خود را زیر پا نهند.

حتی کسانی که با مهاجران همدردی می‌کنند این مهم‌ترین پرسش، یعنی چرایی آمدن مهاجران به اروپا - قاره‌یی با بیکاری بالا و فقر روبه افزایش، جایی که نیروهای محافظه‌کار راست‌گرای ضد بیگانگان در شکوفایی‌اند - را مطرح نمی‌کنند.

البته پاسخ این است که، با وجود بدی شرایط در اروپا، شرایط در کشورهای آفریقایی و اکثر کشورهای آسیایی بدتر است. اما بازم پرسش این است که چرا؟

پاسخ واقعی ریشه در سده‌های گذشته دارد که آفریقایی‌های جوان و تندرست، کسانی همچون آن کودک گمنام، که آینده کشورشان را می‌بایست رقم زدند، دزدیده شدند و به بردگی کشیده شدند. زندگی‌شان از آنان ربوده شد تا آتش اشتهای سیری‌ناپذیر اروپا و آمریکای شمالی برای پنبه، شکر، و دیگر کالاها فرونشاندن شود.

سده‌ها دارایی کشورهای جنوب و مرکز آمریکا، آسیا، و آفریقا از سوی اروپا به‌تاراج رفت تا نیازهای مالی حاکمیت سرمایه‌داری درحال رشد تأمین شود، صنعتی شدن و افزایش ثروت در اروپا فراتر از دیگر قاره‌ها گسترش یابد، و دوام نظام نوحاشته بتواند با قدرت نظامی تضمین گردد. اگرچه ممکن است استعمار و برده داری رسمی مرده و یا رو به‌مرگ باشند، اما هر دو نظام در شکل‌هایی دیگر به حیات خود ادامه می‌دهند.

رشته تبه‌کاری‌ای که با مرگ قربانیان لمپدوسا در دریا به پایان رسید با سوداگری انسان‌ها آغاز نمی‌گردد. سرخ این رشته را در نهادهای سیاسی بروکسل و پایتخت‌های دیگر و اتاق‌های هیئت‌مدیره شرکت‌های بزرگ باید جست.

استعمار به نواستعمار بدل گشته است، همان‌طور که برده‌داری زیرزمینی شده یا به شکل "کار آزاد" سرمایه‌داری درآمده است، و چنان بهره‌کشانه است که آن را "بردگی با دستمزد" می‌توان نامید.

موافقت‌نامه‌های مشارکت اقتصادی اتحادیه اروپا با کشورهای آفریقایی، کارائیب، و ناحیه‌های اقیانوس آرام - که کم‌وبیش همه مستعمره‌های پیشین اتحادیه اروپای کنونی بودند - آن‌ها را ملزم می‌کند تا برای ۸۰ تا ۹۰ درصد واردات از اتحادیه اروپا، حق گمرکی دریافت نکنند. در طول آن مذاکرات، "پیتر مندلسون"، کمیسر پیشین بازرگانی اتحادیه اروپا، ادعا کرد که این "رقابت تجاری، به کسب و کار رونق می‌بخشد". اما درعمل، ایجاد مؤسسه‌هایی که توانایی رقابت بین‌المللی را داشته باشند برای کشورهای در حال رشد ناممکن می‌سازد.

همان‌طور که اقتصاددانانی چون "ها جون چنگ" و "جو ستادول" نشان داده‌اند، برپایی چنین مؤسسه‌هایی بدون پشتوانه تعرفه‌های گمرکی [دریافت حق گمرکی] که بازار داخلی را برپا نگه می‌دارند، و در پناه آن، بذرهای بخش نو اقتصادی می‌توانند به نهال‌های نیرومندی مبدل گردند، تا کنون هرگز با موفقیت همراه نبوده‌اند.

در همان حالی که اتحادیه اروپا از "شریک‌های" بازرگانی کشورهای درحال رشد خود به‌طور مرتب می‌خواهد تا یارانه‌ها و تعرفه‌های گمرکی [دریافت حق گمرکی] را حذف کنند، برنامه کشاورزی اتحادیه اروپا همچنان ۶۰ میلیارد یورو (برابر با ۵۱ میلیارد لیره استرلینگ) را در سال می‌بلعد - مبلغی که بخش عمده آن صرف دادن یارانه‌های مستقیم به کشاورزان می‌شود. حدود ۸۰ درصد آن [مبلغ بالا] به صاحبان ۲۵ درصد از بزرگ‌ترین زمین‌های کشاورزی اروپا، یا به عبارت دیگر، شرکت‌های کشاورزی، می‌رسد.

این به‌طور آشکار نشان می‌دهد که تولید مواد غذایی با قیمت‌هایی [برای کشاورزی کشورهای اتحادیه اروپا] تمام می‌شود که کشاورزان در کشورهای درحال رشد توانایی رقابت با آن‌ها را ندارند.

نتیجه آنکه: کشاورزان در آفریقا زمین‌های خود را از دست می‌دهند، و پس از آن مجبور می‌شوند که

ادامه در صفحه ۳

برای گذران زندگی ویافتن شغل



گزارشی "نامه مردم" از:

نشست سه روزه سمینار "سندیکیایی چپ در کشورهای عربی"

نخستین سمینار سندیکیایی چپ در کشورهای عربی، با شعار: "پیش به سوی جنبش دموکراتیک و مبارز سندیکیایی"، با انتشار بیانیه‌ی پایانی و برنامه کاری‌ای ۱۸ ماده‌ای، با موفقیت به پایان رسید.

این سمینار، به دعوت حزب کمونیست عراق و با همکاری و میزبانی حزب کمونیست کردستان [عراق]، از ۲ تا ۴ مهرماه (۲۴ تا ۲۶ اکتبر)، در اربیل [کردستان عراق] برگزار گردید. نمایندگان از حزب‌های: کمونیست سودان، "الشعب" [مردم] فلسطین، کمونیست لبنان، کمونیست مصر، کمونیست اردن، ترقی‌وسوسیالیسم مراکش، جنبش ترقی خواه کویت، تریبون دموکراتیک ترقی خواه اردن، جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین، و جبهه آزادی‌بخش فلسطین، در این سمینار حضور داشتند.

با سخنرانی‌های رفیق حمید مجید موسی، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق، و کاوه محمود، وزیر فرهنگ حکومت اقلیم کردستان، در روز نخست، سمینار گشایش یافت، و پس از آن، نمایندگان شرکت‌کننده در سمینار با بررسی وضعیت سیاسی کنونی کشورهای عربی و خطرات پیش روی انقلاب‌های عربی، بر ضرورت ادامه مبارزه مسالمت‌آمیز مردم در این منطقه حساس تا دستیابی به هدف‌های مرحله‌ای در مسیر برپایی جامعه‌هایی دموکراتیک و مدنی و نیز بهره‌مندی مردم از عدالت اجتماعی، تاکید ورزیدند.

رفیق نماینده حزب کمونیست کردستان، در سخنانش ضمن اشاره به نیاز توده‌های مردم به فعالیت دموکراتیک سندیکیایی به منظور دفاع از منافع سیاسی و مطالباتی، به ویژه در شرایط شکوفایی مبارزات توده‌ای، بر رابطه دیالکتیکی میان فعالیت دموکراتیک سندیکیایی و فعالیت حزبی - در حکم دو وجه تفکیک‌ناپذیر در مبارزات اجتماعی - تاکید کرد.

نمایندگان حاضر در سمینار، به تحلیل وضعیت فعالیت سندیکیایی و سندیکاهای کارگری در کشورهای عربی پرداختند، و در جهت فعالیت مشترک کنش‌گران سندیکیایی چپ و همچنین هماهنگی نیروهای چپ و دموکراتیک به منظور بالا بردن کیفیت فعالیت‌ها و به دست آوردن جایگاهی واقعی و درخور سندیکاها و اتحادیه‌های صنفی، و همچنین به انجام رساندن وظیفه‌های اساسی در دفاع از حقوق و منافع طبقه کارگر، و در عین حال، مبارزه با دخالت‌های تنگ‌نظرانه حکومت‌ها و نیروهای فرقه‌ای و حزبی در امور سندیکیایی و تلاش‌شان به هدف تسلط بر سندیکاها، راه‌ها و روش‌ها را بررسی کردند.

سمینار، در خلال نشست‌ها و بحث‌های سه روزه‌اش، دو موضوع مهم و اساسی را بررسی کرد.

موضوع نخست: "واقعیت بحران اقتصاد سرمایه‌داری جهانی، چگونگی فعالیت سندیکیایی چپ عربی، و مهم‌ترین وظیفه‌ها و مسئولیت‌های مرحله‌ای" و موضوع دوم: پاسخ به سؤال جدی و بسیار مهم: "از فعالان سندیکیایی چپ سخن باید گفت، یا بر سر فعالان صنفی دموکرات و ملی بحث باید کرد؟"

شرکت‌کنندگان در سمینار، راه‌های هماهنگی میان فعالان سندیکیایی چپ و دموکرات در کشورهای عربی و موضع‌گیری‌شان در برابر اتحادیه‌های سندیکیایی کارگری عربی، منطقه‌ای، و جهانی، را بررسی کردند.

شرکت‌کنندگان در سمینار، ضمن تأیید دیدگاه کمیته پیگیری "دیدار چپ عربی" [اللقا الیساری العربی] [در خصوص بحران سرمایه‌داری جهانی و وظیفه فعالان سندیکیایی، بر اهمیت تشکیل کمیته هماهنگی مشترک به منظور پیگیری فعالیت سندیکیایی توافق کردند.

سمینار در پایان کار خود با تصویب برنامه کاری‌ای ۱۸ ماده‌ای و تهیه بیانیه اختتامی، با موفقیت به کار خود پایان داد. خلاصه‌ی از برنامه کاری تصویب شده در پی می‌آید:

• همبستگی با مبارزات طبقه کارگر و سندیکاهای کارگری با استفاده از شیوه‌های گوناگون، و پشتیبانی از سندیکاها برای تصویب قوانین هماهنگ با استانداردها و قراردادهای بین‌المللی در ارتباط با فعالیت‌های سندیکیایی و استفاده از کلیه امکانات قضایی و دموکراتیک برای افشای فساد؛

• تشکیل کمیته هماهنگی مرکب از رهبران سندیکیایی چپ و دموکرات در کشورهای عربی به منظور پیگیری نحوه فعالیت‌های سندیکیایی در کشورهای عربی، و بحث و بررسی برای یافتن موضع‌های مشترک، و تلاش برای توسعه و هماهنگی مبارزات در این عرصه؛

• ایجاد سایت الکترونیکی چپ به منظور نشر و اطلاع‌رسانی در خصوص فعالیت‌های سندیکیایی و تجربه‌های سندیکاهای کارگری، نشر مقاله‌ها و پژوهش‌هایی که به بالا بردن سطح فعالیت‌های سندیکیایی کمک می‌کند؛

• تشویق و ترغیب کارگران جوان زن و مرد به عضویت در سندیکاهای کارگری در حکم نیاز مبرم مبارزاتی‌ای در مسیر عملی ساختن حضور چپ در جنبش سندیکیایی با یاری گرفتن از فعالان با سابقه و دارای تجربه در این فعالیت‌ها. انتشار جزوه‌ها و برپایی دوره‌های آموزشی سندیکیایی برای بالا بردن سطح آگاهی‌های طبقاتی و سیاسی در میان زنان و مردان؛

• به کارگیری فشار سیاسی و رسانه‌ای بر حکومت‌های عربی به منظور وادار ساختن آن‌ها به پذیرش موافقتنامه‌های بین‌المللی، و رفع هرگونه محدودیتی از جنبش‌های سندیکیایی بنابر استانداردهای بین‌المللی؛

• تلاش برای سازمان‌دهی سندیکاهای دموکراتیک و مستقل به منظور مبارزه با تأثیرهای مخرب تنگ‌نظری‌های حزبی و فرقه‌ای و قبیله‌ای و رویارویی با دخالت‌های حکومتی؛

• اصرار بر حفظ وحدت و جلوگیری از زهم‌پاشیدگی سندیکاها و به کارگیری کلیه امکانات و روش‌ها برای مقابله با نفوذ جریان‌های قبیله‌ای، مذهبی، حزبی، و حکومتی در درون این تشکلهای؛

• تلاش مستمر و فعالیت در میان توده‌ها و دفاع از حقوق و منافع آنان به وسیله وابستگان به سندیکاها به منظور دست یافتن به هدف‌های اساسی تشکلهای سندیکیایی؛

• دعوت برای مشارکت هرچه بیشتر در انتخابات سندیکیایی به منظور انتخاب چهره‌های ملی برای تقویت نقش سندیکاها در پروسه دموکراسی و توسعه در کشورها؛

• تاکید بر استقلال سندیکاها و ایفای نقش (توسط چپ) در فعال کردن آن‌ها و اجتناب از ایدئولوژیک کردن سندیکاها؛

• تقویت روابط انترناسیونالیستی به منظور تبادل تجربه و دست یافتن به همبستگی جهانی و حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکشان فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی و دیگر کشورهای عربی مسیر تحقق خواست‌های بحق آنان و تقویت نقش اتحادیه‌های سندیکیایی فلسطینی بر مبنای دموکراتیک به منظور رودررویی با اشغالگران و سیاست‌های زورگویانه آنان.



ریاست ژنرال هودسن آستین تشکیل شد که حکومت نظامی اعلام و مقررات منع رفت و آمد را برقرار کرد. شش روز بعد، نیروهای تجاوزگر آمریکا با پشتیبانی واحدهای جاماییکایی و باربادوسی به گرنادا حمله کردند. به رغم ضربه روحی که در نتیجه رویدادهای اخیر بر مردم وارد شده بود، ارتش انقلابی خلق در برابر متجاوزان مقاومت نظامی جانانه بی کرد. کوبایی‌هایی هم که در کار ساختمان فرودگاه بین‌المللی بودند به یاری نیروی مقاومت شتافتند و چند هلی‌کوپتر آمریکایی را سرنگون کردند که در این میان شماری از متجاوزان کشته شدند.

پس از استقرار اشغالگران آمریکایی در گرنادا، حکومت نظامی رهبری انقلابی باقی‌مانده را در دادگاه‌هایی فرمایشی که سازمان عفو بین‌الملل آن‌ها را "نه عادلانه و نه بی‌طرف" خواند، به محاکمه کشاند. سازمان عفو بین‌الملل گروه ۱۷ نفری گرنادایی‌هایی که به محاکمه کشانیده شده بود را "آخرین زندانبانان جنگ سرد" خواند که در واقع اشاره‌اش به هیستری کاخ سفید و مشغله ذهنی دائمی آن بود که همه مناقشه‌ها و درگیری‌ها را گوشه بی از رقابت جهانی آمریکا - شوروی در مقیاسی کوچک‌تر می‌دید. کورد و ۱۳ رهبر نظامی و سیاسی دیگر به مرگ محکوم شدند که کارزاری طولانی از سوی "کمیته دفاع از حقوق بشر در گرنادا" (مستقر در بریتانیا) برای بخشودگی زندانبانان را به دنبال داشت که سرانجام موفق هم شد. بالاخره ۴ سال پیش همه زندانبانان آزاد شدند. سناتور پیشین چستر هامفری که از رهبران برجسته کارگری گرناداست و خود به اتهام تامین اسلحه در جریان انقلاب اسفند ۵۷ و به قدرت رسیدن بی‌شاپ، در آمریکا زندانی بود، پس از آزادی آخرین ۷ زندانی در اواخر شهریور ۱۳۸۸ گفت: "این پایان یک فصل است، نه اتمام کتاب؛ گرنادا در پی ساختن آینده است و نه زندگی کردن در گذشته."

امروزه زخم‌های ملتی که فقط اندکی پیش‌تر از ۱۰ هزار نفر جمعیت دارد، تا حدی التیام یافته است. بسیاری از خانواده‌های اعدام شدگان در فوریت روپرت، مسئولان و قاضی‌های دادگاهی را که حکم مرگ را صادر کرده بود، بخشیده‌اند و آنانی که در جریان انقلاب به زندان افتاده بودند، امروزه برای آزادی بازداشت‌کنندگان سابق خود تلاش می‌کنند. با وجود این، ضمن اینکه خاطرات خوش دستاوردهای ناکامل انقلاب همچنان در ذهن مردم گرنادا حفظ شده است، اما تلاش‌هایی که برای ایجاد سازمان‌های سیاسی به منظور بازسازی گرنادا صورت گرفته، فوق‌العاده ناموفق بوده است.

علاوه بر این، اگرچه اتحاد شوروی دیگر وجود ندارد، اما انقلاب کوبا همچنان زنده است و دیگر در میان کشورهای منطقه منزوی شده نیست. دگرگونی‌های مترقیانه در ونزوئلا و دیگر کشورهای آمریکای لاتین نقش و موقعیت آمریکا را ضعیف کرده است و در این میان، چین پیوندهای متقابل با سودمند خود با بسیاری از کشورهای منطقه، از جمله گرنادا را گسترش داده است.

دوره انقلاب گرنادا برای مدتی کوتاه این کشور را در مرکز خبرها و توجه جهانیان و در عین حال و متأسفانه در مرکز هدف سلاح‌های واشنگتن قرار داد، اما فروپزیش انقلاب اساساً ناشی از اشتباه‌های رهبری "جنبش نوین جوتل"، به‌ویژه در امر ضرورت حفظ وحدت انقلابی جنبش بود.

ادامه سی امین سالگرد حمله ...

دریایی به گرنادا و جزیره‌های اطراف آن دست زد. با وجود این، نشریه "میامی هرالد"، در یکی از شماره‌های اخیر خود، نوشت: "برنامه ریزی برای عملیات "خشم فوری" فقط بعد از به‌قتل رسیدن موریش بی‌شاپ، نخست‌وزیر گرنادا و متحد نزدیک کوبا، و کشته شدن ۱۰ تن از همراهانش در جریان کودتای ۱۹ اکتبر به دست معاون مارکسیست افراطی خودش، یعنی برنارد کورد، و ژنرال هودسن آستین، رئیس ارتش ۱۵۰۰ نفری انقلاب خلق، آغاز شد."

"علت"ی که ریگان برای حمله و تجاوز به گرنادا با نام "عملیات خشم فوری" در روز ۲۵ اکتبر ۱۹۸۳ [۳ آبان ۱۳۶۲] مطرح کرد این بود که او در پاسخ به تقاضای سران کشورهای منطقه و فرماندار گرنادا آقای پال سکون و از ترس آسیب دیدن و به گروگان گرفته شدن ۸۰۰ دانشجوی علوم پزشکی آمریکایی در جزیره گرنادا، اجازه این عملیات را صادر کرده است. آقای سکون هم بعد ادعای ریگان را تصدیق کرد، گرچه این "تصدیق" هم نتوانست دروغ بودن آن ادعا را راست بنمایاند، زیرا درست در همان زمان، تمام جزیره و از جمله محل سکونت فرماندار پال سکون، در محاصره کامل نیروهای امنیتی بود. رونالد ریگان مثل همیشه که هیچ ارزش و احترامی برای حقیقت قائل نبود، این طور به آمریکایی‌ها وانمود کرد که "گرنادا یک مستعمره بی شورویایی - کوبایی شده بود که همچون سنگر نظامی‌ای برای صدور ترور و صدمه زدن به دموکراسی داشتند آن را آماده می‌کردند. و ما [آمریکا] به موقع اقدام کردیم." حتی مارگارت تاچر هم از او خواسته بود که به گرنادا حمله نکند، و چندی بعد هم مجمع عمومی سازمان ملل متحد هم با ۱۰۸ رأی موافق و ۹ رأی مخالف، اقدام آمریکا را در حکم "نقض آشکار قوانین بین‌المللی" محکوم کرد.

لااقل اشاره مقاله "میامی هرالد" به موریش بی‌شاپ در مقام "متحد نزدیک کوبا" می‌شود گفت که اشاره دقیقی است، برخلاف آقای گای فارمر، سخنگوی پیشین کاخ سفید، که هنوز هم حرف از "کودتای مارکسیست‌های افراطی به سرکردگی برنارد کورد، معاون نخست‌وزیر" می‌زند که "پیوندهای نزدیکی با کوبا داشت." رابطه فیدل کاسترو با موریش بی‌شاپ را خیلی‌ها به رابطه پدر و فرزندی توصیف می‌کردند، و احتمالاً توصیه رهبر کوبا در تصمیم موریش بی‌شاپ به روی گرداندنش از توافق قبلی‌اش با تصمیم کمیته مرکزی "جنبش نوین جوتل" برای رسمی کردن "رهبری مشترک" انقلاب با معاونش برنارد کورد، بی‌تاثیر نبوده است. فیس آگوستین، نماینده عالی گرنادا در لندن در دوره انقلاب، می‌گوید که او هرگز نتوانست بفهمد که چرا کمیته مرکزی این قدر بر تغییر "رسمی" توافق موجود اصرار داشت و چرا بی‌شاپ آن قدر دیر به فکر افتاد که بر نپذیرفتن تغییر رسمی اصرار کند. از دید آگوستین، رهبری مشترک در عمل وجود داشت: بی‌شاپ چهره بیرونی انقلاب و کورد شخصیت ایدئولوژیک و اقتصادی انقلاب بود. ارزیابی آگوستین این است که هر دو طرف به دنبال یافتن راه‌حلی آداری برای مسئله‌ی سیاسی بودند. بار به پیش بردن انقلاب و حفظ علاقه و اشتیاق عمومی به انقلاب، داشت توان گروه کوچکی از رفقای حزبی را تحلیل می‌برد؛ رفقایی که گرفتن همه تصمیم‌ها و اجرای آن‌ها به عهده‌شان بود. ناگفته‌ها هرچه باشد، واقعیت این است که بازگشت بی‌شاپ از سفر اروپای شرقی از طریق کوبا، و رد بی‌درنگ طرح رهبری مشترک از سوی او، به حبس خانگی او بر اساس تصمیم کمیته مرکزی منجر شد.

در تظاهرات توده‌ای بزرگی که پس از حبس او به‌راه افتاد، مردم نگهبان‌های خانه محل حبس او را از سر راه کنار زدند و بی‌شاپ را با خود بردند تا در راهپیمایی بزرگی که قرار بود در سینت‌جورجز، پایتخت گرنادا، برگزار شود شرکت کند. اما در عوض، جمعیت تظاهرکنندگان مسیر خود را تغییر دادند و به فوریت روپرت که ستاد ارتش در آن واقع است رفتند و همان‌جا بود که سربازان با اسلحه به آنان حمله کردند. زره‌پوش‌ها را از یادگان‌های دیگر به فوریت روپرت فرستادند تا مقر ارتش را بازپس گیرند، ولی خود زیر آتش گلوله قرار گرفتند و خسارت‌ها و تلفاتی به آن‌ها وارد شد. با وجود این، نیروی آتش برتر زره‌پوشان و همراهان آن‌ها منتهی به بازپس گرفتن یادگان شد. موریش بی‌شاپ و هفت نفر دیگر را در برابر جوخه‌های اعدام تیرباران و همه را در یک گور مشترک دفن کردند. شورای نظامی انقلابی به



زیبایی‌های طبیعی گرنادا، از دریای آن و ساحل‌های شنی و جنگل‌های زیبای آن، بهره برده بودند، زیرا که برای رفتن به گرنادا، می‌بایست نخست به ترینیداد یا باربادوس پرواز کرد و از آنجا با پروازی دیگر به گرنادا رفت. دولت "جنش نوین جوئل" ایجاد یک فرودگاه بین‌المللی را در مرکز طرح‌های توسعه اقتصادی کشور قرار داد، و در این راه از بسیاری از کشورهای دیگر، از جمله از دولت مارگارت تاچر، کمک‌های مالی دریافت کرد. به‌رغم این قبیل کمک‌های دولت بریتانیا، رونالد ریگان، رئیس‌جمهوری آمریکا و متحد مارگارت تاچر، تصمیم به برانداختن رژیم انقلابی گرنادا گرفته بود، آن هم بر اساس این ادعا که، آمریکا حضور کوبای دومی را در "حیاط خلوت"ش تحمل نمی‌کند. این اصطلاح "حیاط خلوت" نه تنها خشم دولت و مردم گرنادا، بلکه خشم دیگر ملت‌ها و دولت‌های منطقه کاراییب را برانگیخت، و این برخورد و نام‌گذاری را اهانت‌آمیز دانستند و به آن اعتراض کردند. "سیا" تبلیغات منفی اش را شدت بخشید و ادعا کرد که گرنادا "نیاز"ی به فرودگاه بین‌المللی ندارد، پس [چنین وانمود که] ایجاد این فرودگاه جدید را فقط می‌توان در چارچوب جنگ سرد ارزیابی کرد و احتمالاً پایگاه نظامی‌ای برای شوروی خواهد بود. البته این زشت‌ترین اتهامی نبود که از مقر "سیا" بیرون آمد و رسانه‌های راست‌گرای جهان آن را با هو و جنجال منتشر کردند. افتخار مقام اولی را در این مورد باید به این ادعا داد که: گرنادا به اتحاد شوروی اجازه داده بود که ساختمان یک پایگاه زیردریایی هسته‌ای بزرگ را در زیر خاک آن کشور آغاز کند! رهبری "جنش نوین جوئل" تردیدی نداشت که با توجه به پیشینه تاریخی آمریکا در نیم‌کره غربی، واشنگتن در صدد برانداختن انقلاب گرنادا برخواید آمد. به همین علت، دولت واحدهای شبه نظامی محلی‌ای را تشکیل داد و آن‌ها را در سراسر جزیره مستقر کرد تا در وضعیت اضطراری، به ارتش انقلابی خلق یاری رسانند. و البته دولت رونالد ریگان هم برای اینکه قصد و منظور خود را به روشنی نشان دهد، در سال ۱۹۸۱ [۱۳۶۰ش] به اجرای مانورهای نظامی در پورتوریکو و تمرین حمله

ادامه در صفحه ۱۵

کمک های مالی رسیده

در جشن سالگرد حزب در یوته بری، پیمان افراشته ۳۰۰ کرون
به یاد علی امید، از استکهلم ۲۰۰۰ کرون

سی‌امین سالگرد تهاجم نظامی آمریکا به انقلاب گرنادا

ژنرال جان کلی، از فرماندهی "نیروهای جنوب" آمریکا، از شرکت کنندگان اصلی مراسم یادبود سی‌امین سال حمله واشنگتن به "جزایر آدویه" یا کشور گرنادا بود که در آن کشور برگزار شد. ژنرال کلی، پس از حضور در مراسم روز شکرگزاری در کلیسای انجیلی سینت‌جان در شهر گویاوه، مرکز ایالت سینت‌جان، و گذاشتن دسته‌گل بر "مجسمه" یادبود دخالت "در نزدیکی فرودگاه بین‌المللی موریس بی‌شاپ، به اتفاق کیت میچل، نخست‌وزیر گرنادا، در مراسم بزرگداشت مهاجمان کشته شده آمریکا به‌دست نیروهای مقاومت میهن‌دوست در سال ۱۹۸۳ [۱۳۶۲ش] که در محل مجسمه یادبود برگزار شده بود، شرکت کرد.

برای این گفته قدیمی که "تاریخ را فاتحان می‌نویسند" مصداقی بهتر از دوره انقلاب کوتاه‌مدت گرنادا، درگیری‌های داخلی آن، و تجاوز نظامی آمریکا نمی‌توان یافت. واشنگتن هرگز نتوانست با سقوط بدون خون ریزی متحدش "اریک گیری"، دیکتاتور خشن گرنادا، به‌دست عده‌یی از اعضای "جنش نوین جوئل" مخفف عبارتی انگلیسی به معنای "تلاش مشترک برای رفاه، آموزش، و رهایی" [در ماه مارس سال ۱۹۷۹ [اسفند ۱۳۵۷ش] کنار بیاید و آن را فراموش کند.

دولت موقت انقلابی به‌ریاست موریش بی‌شاپ، که رهبری بانفوذ و شخصیتی تأثیرگذار بود، دست اتحاد به سوی کوبا، اتحاد شوروی، و دیگر کشورهای سوسیالیستی دراز کرد و نوسازی و توسعه گرنادا را آغاز کرد. "جنش نوین جوئل" الگوی پارلمانی بریتانیا را که در سراسر مستعمره‌های سابق بریتانیا در منطقه کاراییب الگویی مسلط بود، به‌دور ریخت و نهادهای محلی نوینی را جایگزین آن کرد که با رأی دموکراتیک مستقیم انتخاب می‌شدند. انقلاب، زمین‌های کشاورزی را در قالب تعاونی‌های کشاورزی کوچک و اغلب خانوادگی در اختیار مردم گذاشت، و به آنان در تهیه بذر، ابزار کار، و مهم‌تر از همه، فروش میوه و تره‌بار تازه در بازارهای جزیره‌های همسایه یاری رساند. دولت انقلابی برای تولید و بسته‌بندی انبوهی از سبزیجات متنوع و آب‌میوه تازه و عرضه آن‌ها به بازارهای منطقه یک کارخانه کنسروسازی به‌راه انداخت. مجموعه این طرح‌ها و اقدام‌های دولت موجب شد که نرخ بیکاری از ۴۹ درصد به ۱۴ درصد کاهش یابد. آموزش و پرورش و بهداشت و درمان برای دولت جدید از اولویت بالایی برخوردار بود. کارشناسان کوبایی به نوسازی مؤسسه‌های پزشکی و درمانی کمک کردند و خدمات آموزشی و پزشکی در اختیار دولت انقلابی گرنادا قرار دادند. آموزش صرفاً به درس‌های پایه‌یی محدود نبود، بلکه در دولت جدید، کتاب تاریخ واقعی مردم گرنادا نیز گشوده و تدریس شد، تا گرنادایی‌ها تاریخ قیام‌های ضدبرده‌داری، مبارزات ضداستعماری، و کوشش‌های مردمی برای استقلال کشور از بریتانیا را بخوانند و به آن افتخار کنند. انانی را که می‌توانستند بخوانند و بنویسند، با شعار "هر کس به یک نفر درس بدهد"، برای درس دادن به بی‌سوادان فرستادند، تا بی‌سوادی را براندازند. جامعه بزرگ مهاجران به خارج رفته گرنادایی با شور و اشتیاق به کمک انقلاب آمد، و در سفر به وطن، تختخواب برای بیمارستان‌ها و اسباب و وسیله‌های لازم برای مدرسه‌ها را با خود آورد، و برای ساختن فرودگاه پیشنه‌های جدید، در سازمان‌دهی جمع‌آوری پول و خرید اوراق قرضه دولتی فعالانه شرکت کرد. در آن زمان شمار کمی از گردشگران منطقه و جهان از

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany آدرس های پستی:
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
http://www.tudehpartyiran.org آدرس های اینترنت و "ای-میل"
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 933
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

4 November 2013

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام حساب: Iran e.V.
بانک: Berliner Sparkasse
کد بانک: 100 500 00
شماره حساب: 790020580
IBAN: DE35 1005 0000
0790 0205 80
BIC: BELADEBEXXX